



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه (۱۹) اسفند ماه ۱۳۴۶

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت صورت اسامی غائبین جلسه قبل .
 - ۲- ادامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه
 - ۳- تصویب صورت جلسه صبح پنجشنبه هفدهم اسفند .
 - ۴- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .
- راجع به بودجه ۱۳۴۷ کل کشور .

مجلس ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه صبح برپاست آقای مهندس حیدرعلی ارفع (نایب رئیس) تشکیل گردید

غائبین بی اجازه - آقایان :

مهندس اربابی - بهادری - مهندس عطائی

غائبین مریض - آقایان :

بختیار بختیاربها - فولادوند - ارسنجانسی - انشاء
 اهری - مهندس برومند - پرویزی - دیهیم - شاخوئی -
 فاضل زاده - مهندس معینی زنده - دکتر وحیدنیا .

۲- ادامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه

راجع به بودجه ۱۳۴۷ کل کشور .

نایب رئیس - وارد دستور میشویم دنباله کلیات
 لایحه بودجه مطرح است آقای رامبد تشرف بیاورید .
 رامبد - همچنانکه نمایندگان محترم اکثریت از
 پیشرفت های مملکت احساس سر بلندی میکنند ترقی و تعالی

۱- قرائت صورت اسامی غائبین جلسه قبل

نایب رئیس - با اجازه خانم ها و آقایان صورت
 اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

دکتر رضوانی - محمد ولی فراچورلو - رضازاده -
 حمی - نهرانی - دکتر متین - دکتر سعید - کاسمی - تیمسار
 حکیمیان - مهندس سهم الدینی - یور بابائی - دکتر نجمی -
 پاینده - مهرزاد - مافی - شیخ بهائی - دکتر وفا - دکتر
 نهرمان - سلیمان کاشانی - فهیمی - دکتر رهنوردی -
 سرتیپ پور - دکتر ضیائی - دکتر عدل - دکتر هوا کیمیان
 دکتر ستوده .

مملکت ورشده‌ادی و معنوی ملت را با نظر سیاسی بگری به بانی آن مینگرند چنانچه دستگامهای اجرائی نواقصی موجود باشد خود آنها نیز مانند ما و همه ملت ایران متوجه میشوند و به رفع این نواقص مانند هر ایرانی وطن پرست علاقمند هستند و اگر لوابیح دولت احتیاج به اصلاحاتی داشته باشد که برای ترضیه خاطر ملت و بهبود اجرای آن لوابیح این اصلاحات مفید فایده افتد یقین داریم که همه نمایندگان محترم اکثریت بیش از پیش علاقمند به آن اصلاح و رفع آن نواقص نیز هستند بنا بر این اگر بر اساس اصول حزبی و راه و رسم همکاری صرفاً در جلسات علنی مجلس در جهت تأیید دولت و تصویب لوابیح و بعضاً جوابگویی انتقاد کنندگان بر میآیند نباید چنین تصور شود که این آقایان در مجلس شورای ملی از مصلحت بینی در امور مملکت و یا نظارت بر کار دولت و با توجه به خواسته‌های ملت غفلت دارند (صحیح است) و اما اقلیت چنانچه از راه خیر خواهی و دور اندیشی و علاقه بتسریع پیشرفتها مطالبی میگوئیم و انتقادات مثبت و سازنده ای میکنیم نباید چنین تصور شود که ما شاهد و شاگرد این پیشرفتها نیستیم (صحیح است) خیر ما هم از رشد سریع اقتصادی، ثبات امنیت و پیشرفتهای همه جانبه مملکت کسب بر اساس نیات رهبر ملت انجام میگردد سیاستگر ایم، موافقیم، تأیید میکنیم کارمندان و کارکنان و هیأت دولت را که مجری آن هستند در حدی که کار خوب انجام میدهند تأیید میکنیم (احسن) ولی بمصدق گفته جناب آقای نخست وزیر که (اشاره به آقای هوبدا نخست وزیر) در همین هفته‌ای که گذشت ضمن سخنرانی در مجلس عنوان کردند خدا نکند در یک مملکت انتقاد نباشد، البته این مطلب را نخست وزیر مملکت ایران میتواند بگوید نه نخست وزیر مملکتی مثل مصر چرا؟ برای اینکه در ایران همه افراد ملت متوجه هستند که مملکت در نهایت سرعت پیشرفت میکند (صحیح است) بنا بر این اگر مثلاً گفته شد که قبل از حرکت اتومبیل چرخ چهارم را محکم تر ببندیدم اما باز بشود یا چرخ پنجم را بیدک بردارید این به تریس قبای هیچکسی بر نخواهد خورد این است که نخست وزیر ما میگوید که خدا کند در مملکت ما انتقاد عنوان شود عیوب دانسته شود برای اینکه

تربسی از این ندارند که اگر در پشت تریبون مجلس مطالبی عنوان شد فردا موجب سوء انکساکس در مملکت کرد دولتی در مملکت مصر این طور نخواهد بود چون ملت همه فاراضی و آماده قیام هستند اگر در مجلسشان صحبت نشود خطر ناک است اما در مملکت ما نه تنها این بیم نمی‌رسد بلکه این اطمینان هست که هر چه ما پیشرفت میکنیم از آزادی بیشتری هم برخوردار میشویم و هر چه بگوئیم دلیل آن است که یک پله بالاتر آمده ایم و افق وسیع تری را مبینیم و خواسته های بیشتری را دنبال میکنیم (صحیح است) آقای نخست وزیر فرمودند خدا نکند در یک مملکت انتقاد نباشد ولی ما بدان اضافه میکنیم که خدا کند همواره تمام انتقادات در مملکت ما خیر خواهانه و سازنده و مثبت و در جهت همکاری باشد و همین کار را هم میکنیم (احسن) صحبتی ای ما چه از جهت موافق و چه در جهت مخالف مسائلی است در این سالن بین ما ولسی آنجائی که مصلحت مملکت ایران در قبال خارجیان بیش میآید تمام احزاب و تمام دستجات همه در یک جبهه و در یک صف پیروی شخص شاهنشاه ایران هستیم (صحیح است) این را خارجیان باید بدانند که در ایران ۲۶ میلیون و خورده ای نزدیک به ۲۷ میلیون نفر ممکن است ۲۷ سلیقه در کارهای برنامه‌ای یا اجرائی یا آزاری داخلی داشته باشند ولی در موازاتی که موضوع ارجع بکار اساس مملکتی است همه یکصدا و بابک فلسفه و یک نیت پشت سر شاهنشاه هستند و (احسن) برای خاتمه دادن بمقدمه لزوم و علت انتقاد بواقعه‌ای باید اشاره کنم تصور میکنم در آن موقع جناب آقای هوبدا در اروپا تشریف داشتند و تحصیل میکردند در حین شدت جنگ دوم جهانی روزی در یکی از مجالس ممالک متمدن و آزاد، مجلسیان خود عنوان کردند که بسبب بحران فوق العاده‌ای که در جنگ پیش آمده و نگرانیهای فوق العاده‌ای که در کار بود بهتر است که سؤال و استیضاح از دولت بعد موکول شود آقای محسنی میدانید که نخست وزیر وقت آنها چه جواب داد همان جوابیکه من اعتقاد یقین دارم که این نخست وزیر آزادیخواه ما هم در هر موقع چنین عنوان بشود همان جواب را بیدهد و آن جواب نخست وزیر چنین بود که همین

درباره پیش از دهها هزار نفر سربازان مادر چیه جنگ کشته شدند و این خونها فقط برای حفظ آزادی ما ریخته میشود اگر فراتر باشد که ما در اینجا این آزادی را منع نکنیم پس اصول آن فداکار بهاهم می‌مورد است لذا با توجه به این اصول ما هر چه بیشتر رشد میکنیم همچنانکه از جهت مادی در خانه‌مان بخچال و منقل برقی ساخت ایران پیدا میکنیم در مجلسمان هم آزادی کلام بیشتر پیدا میکنیم و اما قیاد از وروده به طلب جماعه معترضه لازمی باید غرض کم در این موقع که وحدت میان، عظمت تبار بخچی ایران باستان بر مری شاهنشاه با علم و تمدن توین با فر و شادو خاص بیوند میخورد ما بصورت یک مملکت مرفقی و متمدن از پشت این تریبون بسبب واقعه ناگوارای که چند روز قبل در آفریقای جنوبی پیش آمد قبلاً از هر چیز به بشریت تسلیت میگوئیم دوروز قبل در روز دوازدهم نفر بدار آریخته شدند این سه نفر چه گناهی کرده بودند فقط چون از نژاد دیگری بودند ما تبعیض نژادی را مذموم میدانیم و مردود میدانیم (صحیح است) این است ندای شاهنشاه ایران و این است خواسته ملت ایران (احسن) ما ملتانی هستیم مسلمان و رهبر زندگی معنوی ما قرآن و همین سبب دز هزار و سیصد و خورده ای سال نزدیک به ۱۴۰۰ سال قبل دین اسلام اینگونه تبعیض هارا مردود کرد (صحیح است) و ترجمه‌ای از آن تقدیر آن کریم را در اینجا میخوانم (ضعیف و قوی در بارگاه الهی بکشاند) و فرمایش از شاهنشاه را بدنبال باد آور میشود « اصول اساسی تعلیمات بیغمیر اسلام دمو کراسی و آزاد منشی است زندگی آن راد مرد بزرگ و همچنین زندگی جانشینان وی بمسلمانان آموخت که تمام افراد انسانی در مقابل ذات مبارک الهی مساوی هستند و از حقوق و امتیازات مساوی برخوردارند» اینهم فرمایش شاهنشاه ما بود بمناسبت اشاره بان موضوع نیز قبل از ورود بحث در بودجه بالاخره از جناب آقای نخست وزیر تقاضا دارم که به اصول مذهبی و دین مبین اسلام در مملکت ما و تقویت و تشدید و تبلیغ راه دینی ما بیشتر توجه بشود این آن چیزی است که شاهنشاه ایران و ملت ایران و من نماینده ایران و تمام نمایندگان از شما میخواهند (صحیح است) شما از رئیس پلیس و رئیس شهر بانی جو بباشید اگر در مملکت ما جرائم و بزه‌ها

نسبت بمعداد جمعیت از ممالک متمدن کمتر است نه بخاطر زیاد بودن وسائل و تجهیزات و امکانات تشکیلاتی ما است بلکه بخاطر اصول دینی ما و اعتقاد مذهبی ملت ایران است (صحیح است) شما بهتر است به اروپای غربی و مرکزی نگاه کنید و بقاء این ممالک را در ریشه‌های بستگی با مذهب و مقاومت بالامذهبی و بی‌خدائی و از همه چیز بیخبری ببینید و بدانید که سر لوجه وسط اول هر سیاست باید دیانت باشد (صحیح است - آفرین) و اما چون امکان طرح این مهائل بمناسبت مذاکره در اطراف لایحه بودجه بمن داده شده که مصدع میشوم لذا برگردیم بر سر مطلب بودجه ما پس از قرآن و کتابهای مذهبی یک کتاب مقدس دیگری داریم و آن قانون اساسی است (صحیح است) اصل بیستم قانون اساسی میفرماید در نیمه دوم هر سال باید دولت بودجه را تقدیم مجلس نکند و یا نژده روز مانده بعید نوروز این بودجه حاضر باشد جناب آقای جوانشیر آریا امروز چندم استند است؟ این بودجه که امروز مطرح میشود و بعد از دو روز تعطیل بمجلس سنا میرود و بعد تادیر آنجا اصلاحاتی بشود و برگردد و ما رأی با و زرقه بدهیم شب عید است ما چرا آنجائیکه فقط بعبور عبایر از وسط خیابان و بیاده رواست و با سبان خیال میکنند که با گرفتن مچ دست او تمام معایب زفع میشود فقط توجه میکنیم ولی آنجائیکه قصور و بی‌توجهی بدولت و مجلس و مقامات هیأت حاکمه مربوط است، بهمه چیز بی‌اعتنا هستیم در اینجا نه تقصیر از مجلس است، نه تقصیر از مملکت، نه تقصیر از ملت است، بلکه فقط بی‌توجهی و کوتاهی و تعلل با وزرای دولت است و بس دو روز قبل در اطاق رئیس مجلس برای طرح بودجه در مجلس شورا حساب ساعت را میگردیم یعنی ساعتی که این لایحه بودجه توزیع میشود و بودجه در مجلس مطرح میشود شاید مونور سیکلت سوار بمجلس آنقدر سرعت بروند لایحه را توزیع کنند که تا ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه چهل و هشت ساعت فاصله که طبق آئیننامه مجلس فاصله توزیع لایحه و طرح لایحه را اشاره کرده رعایت شده باشد جناب آقای نخست وزیر آباشما در تاریخ حیات خودتان هیچ ایامی مناسب تر از وضع کنونی برای کل کردن دولت سراغ دارید؟

(بکنفرانصابندگان - مسلماً خیر) این درآمد، این امنیت، این آسایش، این نیروی انسانی پس چرا وظیفه خود را انجام نمیدهد؟

(دکتر سعید - دولت غمخوار مردم را بفرمائید) و این آقای دکتر سعید غمخوار دولت را دارید چرا نمیخواهید کار را بموقع انجام بدهید. شما جناب آقای هویدا فارغ از تمام مسائل میدانید من بشما ارادت و علاقه دارم اما شما چرا بوظیفه خود عمل نمیکنید ما بعضی چیزها را از خارجیان بحق تقلید میکنیم چون بعضی ممالک متمدد در علم از ما جا افتاده اند اینهم بر اساس خواب آلودگی و غفلت و بیخبری رؤسای مملکت در سلسله سلاطین قبل ما بوده است و الا ایامی هم بوده است در انگلستان قانون میگذازانند برای اینکه از ورود منسوجات ایرانی جلوگیری کنند تا پارچه‌های خوب ایرانی از جهت قیمت نتوانند با پارچه‌های داخلی آنها رقابت بکنند ولی بر اثر یک سلسله غفلت زعمای امروز گذشته عقب افتادیم حالا ناچاریم بعضی چیزها را از آنها تقلید بکنیم مثلاً برای بودجه مثل آنها کم میگذاریم خیلی هم خوب است من هم قبول میکنم موشک را از آنها تقلید میکنیم باید انشاءالله جلو هم بیافتیم ناچاریم پس چرا در نحوه تقدیم بودجه بمجالسشان که ۶ ماه قبل از موقع اجرا است از آنها تقلید نمیکنید شما اگر به نیویورک بروید پشم بترین های گفتش فروشی نوشته است مثلاً ۸ دلار و ۹۹ سنت بدین نیت که خواسته اند قیمت ۹ دلار در ذهن شما ۸ دلار نقش ببندد در اینجا دولت ما هم بودجه را ۲۹ بهمن میدهد ۲۹ بهمن و اول اسفند که یک روز بیشتر فرق ندارد ولی موضوع اثر روانی مثل همان ۹۹ سنت است بهر یک از نمایندگان ملت پنج جلد دفتر چه بزرگی که جمعا متجاوز از چندین هزار صفحه است بعنوان مطالب مربوط به بودجه توزیع کرده اند ولی نمایندگان حداقل باید این را بخوانند یا جناب آقای دکتر متین خواننده رأی بدهیم؟ باید بخوانیم و بفرمایند که کسی نخواهد با پشت کارش و روز بنشیند و این چند هزار برگ را مطالعه کند مقدور نخواهد بود که بخواند زیرا مصادف همین موقع لایحه عملی شدن آب

را آورده اند، لایحه برنامه را آورده اند، مصادف همین موقع لایحه صید را میآورند، لایحه نوسازی را میآورند نتیجه چه میشود نتیجه آنکه قطعاً اکثر این لایحه خواننده رد میشود و شاید این همان نظری است که دولت دارد. آقای نخست وزیر مجلس که اکثر در جهت کمک بشما هستند نه در جهت مخالفت ولی شما فکر میکنید که این دوست نفر همکار شما هستند نظرشان مورد ندارد و نیابستی توجه شود اگر توجه هم بشود فقط از لحاظ حیثیت مجلس است و یا از لحاظ حفظ ظواهر است و این رویه غلط است، این طرز فکر غلط است، این طرز عمل غلط است (دکتر سعید اینطور نیست) بهر حال دولت چنین تصور کرد و بمصدق مثال معروف برای تصویب لایحه تا تصور گرم است نان پخته شود ولی همه میدانیم که خمیر فطیر اگر برای ما اسباب سرد است برای شما اسباب ذل درد خواهد شد. برای اینکه من میدانم این بد گرفتنها بد خرج کردنها روی ملاحظاتی است که شما در دستگاه دولت دارید و اگر مجلس رسیدگی بکند این ملاحظات دوکار نیست و کارها بر اساس صحیح تری پیش خواهد رفت (صحیح است) فکر میفرمائید نقادی کار آسانی است راه پیدا کردن کار مشکلی است من هم موافقم ولی بهمین مناسبت شمارا چون دانا و توانا هستم در مقام بالاتر گذاشته اند من هم جزو این ۲۰۰ و چند نفر مشکلات را که بیانش آسانتر است میگوئیم و راه حل آن باشماست که مافاعداً باید توانا تر باشم اما در طرح این بودجه صرف این که ما جزو اقلیت هستیم نمیخواهیم بانظر بدبینی نگاه کنیم که بدبینی اساس تیره گمی عقل است نمیخواهیم بانظر خوش بینی زیاد هم نگاه کنیم برای اینکه افراط در خوش بینی هم بیهوده لوحی و حماقت میکشد بلکه بر اساس واقع بینی که مبنای دوران بدیشی است این بودجه را ما هم یک مطالعه ای میکنیم البته نه تنها بودجه دولتی بلکه بودجه مملکتی را که قاعدتاً باید آینه تمام نمای برنامه و طرحهای مملکتی که ما را بسوی هدفی هدایت بکند باشد و این هدف برای همه ما در چیز بیشتر نیست هدفی که مملکت دارد برای تمام این ۲۷ میلیون دو چیز بیشتر نیست یکی حفظ و جراست و استقرار حاکمیت و آزادی و دفاع از این مملکت (صحیح است)

یکی هم سعادت و رفاهیت و بهتر زندگی کردن و آسایش و افراد این مملکت (صحیح است) که هدف اول را در این قبلهائی که در بودجه تنظیم کرده اند من بصورت نوری تدافعی خودمان عنوان میکنم و هدف دوم بعنوان اصطلاح رشد اقتصادی مملکت زیرا جاده ساختن هدف نیست سببستن هدف نیست اداره ثبت اسناد هدف نیست بنها تمام جزو برنامه هائی است که در جهت رسیدن به این هدف یعنی یکی بقاء یکی خوب زندگی کردن ما را هدایت میکند حلالی بنیم که در راه این هدفها دولت چه میخواهد کند برای انجام این هدفها و تحقق این برنامه ها دوکار میکنیم پولهای میگیریم و خرجهای میکنیم ما برای ملاحظه و مطالعه و نقادی این بودجه خیلی به اشاره و در مصلحت شاید فقط چند نکته می بینیم چه میکنید؟ چرا میگیریم؟ از که میگیریم، و چه میدهم چه مبلغ میدهم برای چه نتیجه ای میدهم؟ در آن گرفتن و در این دادن جرح تقدیمی قائل میشوید این اساسی است که یک بودجه باید در مملکت نشان بدهد ما آنچه میگیریم نه تنها به منع باید توجه داشته باشیم بلکه باید بعکس عملهای که در این گرفتن حاصل میشود توجه داشته باشیم یعنی گرفتار واقع و چرخ بازار آنچنان است که خدای کرده بیم توری در مملکت برود اگر زیاد گرفتار بازار بود به این ممالیاتها متعادل کردید از توری جو گیری کردید اگر وضع در حال رکود است شما به امیدواری ننگه وضع مملکت را درست میکنید اگر زیاد بگیرد به این رکود کمک کردید و اگر در حال تعادل است شما بزرگی ما این تعادل را بهم زده ایم و جناب آقای عالیخانی بزرگ بجائی که مثل کمرک ملاحظه میکنید شما تعادل بهم زده اید بهر حال اولین درآمد ما در این مملکت نفت است نفت و بازم نفت یعنی آن چیزی که امروز دنیا و بیشتر غنی که معادن نفتی دارند در گیر و در گرفتاری از بهر سرداری آن هستند چند روز قبل بنماست جناب آقای نخست وزیر یک نطق سیاسی

در اینجا کردند متأسفم از اینکه با اکثر صحبت های شما مخالفت میکنم برای اینکه فکر میکنم که دوستان خیلی صمیمانه مطالب را شما نمیگویند در این مطلب هم از جمله شما مخالف این جمله ای که میخوانم از فرمایشات جناب نخست وزیر است «امروز اگر شرکتهای نفتی تصور کنند که میتوانند برای تأمین منافع خود تحرکاتی را در این مملکت شروع کنند خیلی در اشتباهند» جناب آقای نخست وزیر عنوان این مطلب هم خودش موهن است داستان سقاخانه در ایران برای همیشه بسته شد (صحیح است) بار شد معنوی که ملت ایران پیدا کرده است با یک میلیون و چند صد هزار نفری که شمار مدارس صورت دادید خیال می کنید شاگردان دبیرستانی ما از مخازن نفت، استخراج نفت، قیمت نفت و سیاستهایی که در گذشته از بابت نفت در مملکت ما اعمال میشد بی اطلاع مانده اند و در چنین حالت رشد و ترقی بحث این مطلب در مجلس مملکت که بتوان فکر کرد یک دستگاه خارجی در مملکت ما تحریک بکند، گذشت این حرفها صحیح زیرا که در گذشته های نسبتاً دور پیش از ۵۰ سال این تحرکات بود ولی دیگر در حال حاضر امکان پذیر نیست از طرح ناراحت میشوم (روحانی - اگر خیالی هم داشته باشند خواب است و مؤثر نیست) اینجا به نکته ای اشاره فرمودند که البته چون شما در رأس کار هستید و گزارشها و اسرار مملکت در دست شما است حتماً واقف تر هستید و حرفتان را تکذیب نمیکنم راجع به کابینه ای در سال ۱۳۴۰ اشاره فرمودید و در حالیکه وزیر پهلوی دست شما خود یکی از اعضای کابینه ۱۳۴۰ بود این مسائل چگونه با هم جور در میآید؟ بر میگردیم به جمله چند لحظه قبل که همه سروران عزیز تأیید فرمودند باید کمیانیهای نفتی و مالی که این کمیانیها متعلق با آنها هستند این حقیقت را بدانند که نادر کوچک و خیابان و نه در هیچ حزب و هیچ دستگاهی کسی را پیدا نمیکنند که از راه شاهنشاه منحرف باشد (صحیح است - اجنت)

بنابر این هر کاری، هر مطلبی دارند باید را ما شاهما را قبول کنند تا با ما همراه باشند تجربه نتیجه ای ندارد ما همچنانکه دیناری بدر آمدهای حقه ممالک دیگر اعم از همجواری و غیر همجواری نظر سوئی نداریم و به وجبی از خاک هیچ مملکتی نظر سوئی نداریم باید دینا بداند که در مورد دیناری از منافع مملکت و ملت ایران و وجبی از خاک ایران عزیز بحث و طرح و هیچ چیز کمتر بن اتری ندارد (بوشهری - آقای رامبد همان فرمایشی را که آقای نخست وزیر فرمودند چنان عالی تکرار میفرمائید) تشکر میکنم که حضر تعالی هر دو تا را گوش داده اند شما انتظار داشتید که مادر همه چیز باشما و این دولت مخالف باشیم؟ مادر خیلی چیزها با خود شما دولت توافق نظر داریم و آن راه شاه است (احسن).

بحث کلی در رسیدگی بودجه :

بر گسردیم سر مطلب ما قبل از اینکه وارد ارقام بشویم و قبل از اینکه در آمدها را و خرجها را یک بر آوردی بکنیم و نحوه عملها را یک ارزیابی بکنیم یک اصل را بدوایت گوشزد میکنیم سعی کند این نان سنگک بزرگتر باشد با یک توزیع عادلانه بهمه بیشتر میرسد جز این حرف را میزنم؟ برای اینکه نان سنگک بزرگتر بشود لازم است دژ زیاد کردن آرد کوشش کرد ندر حقوق زیادتر دادن به نانوایان اصلی است که در بودجه شما جناب آقای نخست وزیر من اعتقاد دارم سعی خودتان را کرده اند و سعی باز کامل نیست علت کامل نبودن آن نیکه است که قبلا عرض کردم برای اینکه خودتان مینویسید خودتان عملاً تصویب میکنید و خودتان اجرا میکنید و هیچ چیز جای نظارت دقیق مجلس را نمیتواند برای شما بگیرد باین راه بیایید و بر گردید و حرف مرا گوش کنید و عملاً ۸۰ درصد عایدی مملکت را از نظر مجلس خارج نکنید باین روز بروز کوچکتر میشود آردها کم بعمل میآید و نانوایان شاکر نانوایان هم خودشان را بیشتر میبرند ما برای اینکه بتوانیم واقعاً بر آوردی بکنیم و بدانیم که این بودجه در تحت چه شرایطی تنظیم شده عملکرد دولت بر اساس ارقام سال گذشته چه نتایجی داده که تا وقتی در بعضی ستونها مینویسند سال ۴۵ و ۴۶ مابه رقم بخصوصی که اعتقاد خاصی

نداریم بلکه از نتیجه آن رقم باید ببینیم چه بهره برداری کرده ایم و برای این عمل دلم میخواست آقای مرتضوی رئیس کمیسیون بودجه در مجلس تشریف داشتند تا خوب بشوم در رسیدگی بودجه و برای بر آورد این نتیجه تغییرات ذخائر ارزی مملکت را از بانک مرکزی خواستند و دیدند البته نمیگویم کم است منمم جزو ایرانیانی هستم که از اینکه ذخائر ارزی بانکی مان بالا رفته و خوب است راضیم و سپاسگزارم ولی در رسیدگی به این ارقام باید در مجلس و در کمیسیون بودجه مجلس مطرح بشود آیا حسابهای پس انداز را در مملکت دیده اند آیا ترفی و تنزل قیمتها توجه کرده اند باز هم هیچکدام از اینها دلیل این نیست که خدای نکرده من بگویم قیمتها بالا رفته نه این از افتخارات جمع شما است که در این حد توانسته اید خواسته شاهنشاه را اجرا بکنید که صرف نظر از سال ۳۴۳ که چهار در صد در قیمت ها بالا رفت مملکت ما از بهترین ممالکی است که قیمتها تثبیت شده ولی بصرف اینکه در جیب پول هست نمیتوانم بروم در مغازه ای باید ببینم در جیب من چه مبلغ هست و چه میتوانم بخرم وقتی در کمیسیون بودجه به حجم رقم واردات و صادرات رسیدگی میکنید جناب آقای دکتر علیخان از شما رقمی خواستند؟ خیر، قیمت های عمده فروشی و قیمت مصرف را مطرح کردند؟ خیر، میزان کالای مصرفی را پرسیدند؟ خیر، میزان درآمد ناخالص ملی ما را گرفتند بدانند که این بودجه چند درصد آن است خبر ولی من گرفتار بشمامیگویم و کم کم میکنم و بالاخره رقم وام های ما را بدیدند قطعاً خیر ولی من خودم در پشت این تریبون مکرر گفتم در اقتصاد امروز دنیا در بافت وام مثل گذشته برای عیاشی سلاطین قاجار به نیست دریافت وام امروز مورد قبول ممالکی است که طرحها و برنامه هائی دارند و گرفتن وام دلیل داشتن اعتبارات و خرج کردن صحیح وام و دلیل داشتن برنامه است ما با گرفتن وام مخالف نیستیم ولی در کمیسیون بودجه آیا شما تمام بهره های وام را بر آورد کردید؟ (خواججه نوری - تمام در بودجه منعکس است شما نخوانده اید) بابت وام خارجی میدانم چقدر وام داده اند من شما میگویم بیست درصد پس بدیدد که بنده خوانده ام

شما نخوانده اید، خوب این نکات باید رسیدگی شود من آرزو میکنم حدس من اشتباه باشد و فرمایش جناب آقای خواججه نوری درست باشد و لسی اصولاً (کنون آیا مینویسیم و در بحث لایحه بودجه بشویم بانه زیرا فرض کنید جناب دکتر کللالی این ارقام را شما اینجا تصویب کردید ولی وصول این ارقام و تحقق انجام آن مبتنی بر تصویب تصورهائی است که ما جزء متمم بودجه ۴۶ فرستادیم به مجلس شما اگر در آن مجلس تغییری پیدا کرد این عیب چه صورتی پیدا میکند) بکنفر از نمایندگان تغییر پیدا کرده مالیات تلفن و انومیل کم شده از آن بحث از شما تشکر میکنم برای اینکه ما عاشق این هستیم که بگوئیم ما کردیم ولی سپاسگزار هستیم اگر در مجلس هم بحرف مانوجه نگردد خودتان پی بردید به حال این اشکال اولی است که من میدانم باینکه هنوز ۴۶ متمم بودجه ۴۶ بر انگشته طرح این بودجه ۴۶ چه صورتی دارد و قبل از اینکه جناب آقای نخست وزیر این ارقام را برای شما تصویب کنیم از شما یک استدعا دارم چون حالا در متمم بودجه مطرح نیست و تعبیر به مخالفت نمیشود تغییر نه نقادی سازنده و مثبت میشود برای اینکه یک صلاح دهنی است متمم بودجه نمیتواند بودجه را تغییر بدهد که واقعاً آنچه شما و وزیر دارائی در پشت تریبون اعلام میکنید که اضافه در آمد داریم ما هم سپاسگزاریم اما قبلاً باید فرمائید این اضافه درآمد را کجا خرج میکنید ولی جناب کتر شفیق امین اگر گفتید آن خرج را نکردیم و از آن محل یک خرج دیگر میکنیم این دیگر بودجه بر نامه ای است میدانید چیست؟ خلاف این ماده است که من الآن برایشان میخوانم پس و قریحه که من گفتم این متمم بودجه تجویزی است برای خلاف کاری تجویزی است برای دو خلاف کاری ماده ۲۵ قانون محاسبات عمومی همان قانونی که دولت بیش از سه سال است میخواهد اصلاح کند ولی انجام نگرفته اما کارها بتان به مجلس که میآید آنوقت دقیقه ها حساب میکنید و مینظور آقای دکتر شاهقی الساعه فکر میکنند من چند دقیقه دیگر میآیم باین و مرتب به ساعت نگاه میکنند بهر حال بموجب ماده ۲۵ قانون محاسبات عمومی بزرگ نمیتوانند علاوه بر ماخذ اعتباراتی که در جزو بودجه

برای آنها مینظور شده است خرج کرده با عملی را متصدی شوند متمم بودجه اخیرتان را بخوانید و ببینید چقدر تصدی این عمل را پیدا کرده اند که موجب خرج خارج از اعتبارات متعلقه باشد مگر اینکه قبلاً (نه بعداً) از طرف مجلس شورای ملی برای ادای آن خرج اعتبار جدید داده شود (حتی اگر اضافه درآمد خودشان باشد) قبلاً باید مجلس شورای ملی تصویب بکنند این ماده را من یکبار پشت این تریبون خوانده ام ولی چون بعضی قیافه های جدید در بین معاونین وزراء میبینم چون دولت به آنها این تذکرات را نمیدهد بگذارید من نمائنده به آنها یادآوری کنم که احتیاج به ملاقات شما در زندان قصر نباشد تبصره ۳۵ قانون بودجه (غیر از مخرج بر نامه هفت ساله که حالا چند سال است مطابق ماده ۵ قانون اجرائی بر نامه معادل درآمد نفت جنوب منظور اجرا میشود تجاوز از هزینه تصویب و بودجه بهر عنوان ممنوع است هر روزی که از این منع تخلف کند اعم از اینکه اضافه بودجه خرج کند یا تصویب بکنند (یعنی همه شما که در هیئت دولت تصویب نامه گذرانید) یا چنین تصویب نامه ای را اجرا کند بحسب با اعمال شاقه از ۵ سال تا ده سال محکوم خواهد شد) (چند نفر از نمایندگان - مبارک است) (خنده نمایندگان) خیلی خنده دارد ولی خدای نکرده گریه هم دارد خنده اش از این جهت است که این تذکرات داده میشود و گریه اش از این جهت است که این تذکرات داده میشود متصدیان چون در مسند قدرت نشسته اند بقانون توجه نمیکنند (فولادوند - استماع این ماده خودش از اعمال شاقه است) (خنده نمایندگان) بهر حال من خیلی هم نسبت به اعضای دولت بی اعتقاد نیستم از یک جهت برای آنکه در موازید که مربوط بخودشان است خیلی تیز بین و دور اندیش هستند در اینجا تا ده درصد مواد هزینه و فصول بر نامه را برای تغییر در اختیار خودشان گذاشته اند اولاً این یک ایرادی دارد مثل آنکه اگر یک خانه ای را یک مهندس درست بر آورد کرده باشد این میشود که از ابعاد تیر آهن کم بکند و بیشه رنگی پنجره ببرد از باید حسابها درست

باشد اگر بودجه برنامه‌ای باشد قطعاً این پیش بینی را کرده‌اید دیگر با این پیش بینی چرا باز از بودجه عدول میکنید که لازم باشد متمم بیاورید اصلاً شما که ارقام در اختیاران است این ده درصد را بگذارید بیست درصد ولی خلاف نکنید تا من اینجا بگویم که متخلف باید بزندان برود و دوستان بخندند و در واقع بقانون مملکت بی توجهی شده باشد آنجا که کارمندان تصدیق کسالت و بیماری به اداره خودشان میدهند و وزیر مشكوك است که این تصدیق فقط يك انجام تشریفاتی برای فرار از خدمت بوده است باید بدانید که آن کارمند مردی است با سواد و وقتی عمل شما وزراء را در نحوه معامله با قانون میبینید او هم درس میگیرد اگر شما از این قانون تجاوز نکنید او هم از آن آئین نامه تجاوز نمیکند این درسهائی است که شما به او میدید بر و هم به بحث اصلی بودجه

طرز تنظیم بودجه سال ۴۷ :

عین من جمله بگفتی هنرش نیز یگو حقاً از لحاظ تنظیم در ابتدا از آقای دکتر مجیدی باید تشکر کنم نیستند میدانید برای اینکه میدانند اگر راجع بوزارت مربوطه خودشان چرانیستند سؤالی شد جواب ایشان مؤثر نیست و تصویب میشود ولی در پشت این تریبون جناب آقای نخست وزیر شما حرف رامید و خواهجوری را گوش نمیکند اینجا شما حرف ملت ایران را گوش میکنند در پشت این تریبون روی سخن شما با من نیست با ملت ایران است و این عدم حضور وزرای شما بی اعتنائی بخواسته‌های ملت ایران است و پس در هیچ جای دنیا چنین چیزی نیست که بودجه مملکتی مطرح باشد و وزیر برای روبان پاره کردن یا کلنگ زدن و عکس تفصیلات جراید نوی خیابانها باشد شما اگر حرفی با ملت دارید باید پشت این تریبون بزنید نه اینکه با پول این ملت تشریه برای خودتان درست کنید و برای تیره خودتان تمثال مبارک شاهنشاه را در صفحه اول بگذارید و تمام خدماتی را که بیشترش انجام نشده برای بهره برداری خودتان در مجله‌ها چاپ کنید برای مردم رابطه دولت و ملت در پشت این تریبون است و بس بنده بمناسبت عدم توجه دولت نسبت بملت همین فردا از دولت سؤالی خواهم کرد بهر حال این قصور بزرگ ایشان و سایر وزرائی که اینجا تشریف ندارند بجای

داشت جناب آقای بوشهری حذف شد چون ابعاد کوچکتر باشد یکی که جنبه حذف سوء عمل داشت بصرف دولت نبود حذف نبود یعنی چه یعنی ما يك درآمد عمومی داشتیم، يك درآمد بند الف داشتیم که هر دو میرفت بخرانه دولت يك درآمد بند ب که آنهم میرفت بخرانه دولت درآمد بند الف به این مفهوم بود که دستگاهها خودشان وصول میکنند ولی خرجش حساب دارد این را حذف کردند یعنی حظور حذف کردند بردند جزء درآمد عمومی زیرا خرج این بند الف طبق مقررات مملکتی بود بند (ب) را هم خودشان بگیرند صندوق میدهند ولی طبق مقررات خودشان با همان روش شبیه مؤسسات وابسته و بازرگانی خرج میکنند و هر وقت هم خواستند دولت باید بدون چون و چرا به آنها بدهد این را نتوانستند تغییر بدهند اگر شما میخواستید در این مطلب توفیقی به مجلس ارائه بدهید آنکه خرجش با مقررات خاص خودشان بود باید جزو بودجه دولت می‌آوردند تا خرجش با مقررات خودشان نباشد ، آن مثالی که من به کرات در پشت این تریبون زدم یعنی اگر از محل بند الف بود برای خرید يك دسته جاروی ادارات اسناد بیست و هشت دفعه اعلام مزایده و مناقصه بدهید که مبلغ پول آن در روزنامه های حزب با تریبون بیشتر از قیمت خود دسته جارو است ولی از محل بند (ب) چنین است که اگر اطاق معاون يك جاروی برقی دارد برای اطاق مدیر کل هم میشود يك جاروی برقی گرفت بدون مقررات و دخالت دیوان محاسبات طبق قرار های داخلی مربوطه خودشان این اشکال دوم

امادو مطلب دیگر بودجه‌ای که مجلس تصویب کرد حالا بهر صورتی چون اگر من بگویم وزیر نیست جناب آقای نخست وزیر خواهند فرمود من یعنی همه وزراء که چه این مطلب زیاد صدق نمیکند در سابق میگفتند رئیس الوزراء و حالا میگوبند نخست وزیر یعنی وزیر اول شما وزیر اول هستید نه بجای هم‌وزراء حالا بگذاریم میفرمایند من یعنی همه وزراء و آن وزراء برای کار مملکت رفته‌اند در فلان کمیسیون یا فلان کار ولی بنده فکر میکنم بهتر است که شما تقدم اولویت برای دستگاه قائل هستید قطعاً شخص اول وزارتخانه را در آن کمیسیون فرستاد پس اگر در يك کمیسیون فرستادید حتماً آن کار نزد شما از

مجلس شورا مهمتر است این بودجه بهمین صورت و بهمین نحوه در مجلس تصویب میشود ولی وقتی تصویب شد شما باید این را اجراء بکنید دیگر بعد از اینکه مجلس شورای ملی رأی داد آیا دلیلی هست که این بودجه در سازمان برنامه گرو و کشتی بشود معنائش را میدانید آقای معصومی معنائش اینست که برای شما میگویم هزینه مستمر و غیر مستمر وزارتخانه‌ها که وزارتخانه شاهم جزو آن است و مؤسسات دولتی را بر اساس تخصیص اعتبار با رعایت مقررات و قوانین مربوطه و تبصره‌های زیر پرداخت مینمایند یعنی اگر اداره بودجه در سازمان برنامه پولی را بکاری تخصیص نداد و بنظر او تقدیمی برای محل دیگری قائل شدند این تصویب مابرای کار اصلاحات ارضی کافی نیست نظر آن مأمور سازمان برنامه است پس شما بیخود اینجا شسته‌اید باید او را ببینید مطلب دوم آقای رئیس کمیسیون بودجه در مقابل تمام کلابه‌هایی که از شما دارم از بابت این خدمت بزرگی که در کمیسیون بودجه انجام شد بسیار مگر از من و بهمان نسبت از پیشنهاد کنندگان که دولت باشد کله مندم این بند را باید بخوانم در پیشنهاد دولت این است « بصرف اعتبار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مندرج در جدول منضم باین قانون احتیاج به تسخالی قبل از پرداخت نخواهد داشت » آقای اهری معنای این را خوب میفهمید یعنی چی؟ یک نفر از نمایندگان - این قسمت حذف شد (ولی باید مجلسیان بدانند که نظر دولتمندان در نظارت و اجرای قوانین تا چه حد است مادر گذشته قانونی داشتیم برای اداره‌ای که امور رسیدگی مربوط به معاملات دولتی حسابهای سایر ادارات را انجام میداد بنام دیوان محاسبات ضمانتکار تصدیق و تسجیل اسناد هم با او بود برای اینکه تسریعی در انجام امور بشود آمدند در ۱۳۱۸ يك اداره جدید بوجود آوردند بنام اداره تطبیق اسناد که آقایان مالیه چی‌ها بخاطر هم هست به آن اداره میگفتند اداره قانونی پیشنهاد این دولت در لایحه بودجه امسال بر این بود که دیگر اسناد برای پرداخت به اداره قانونی نرود که ببینند با این مواد تطبیق میکنند و خدمت مربوطه انجام شده یا نشده من بهمین اندازه ممنونم که کمیسیون بودجه این را حذف کردند البته جوابی هم که میدادند میگفتند موقعی که بعداً مارسیدگی میکنیم هر کسی تخلقی کرده ما او را تعقیب خواهیم کرد

شما مگر بابت متخلفی را که برای اصلاح کار ایشان متمم بودجه آوردید تعقیبی کردید اینهم بهمان صورت درمیآید یا شاید هم نیت اصولا این بود که دیگر ضابطه‌ای برای رسیدگی دیوان محاسبات وجود نداشته باشد تا کار فریب بودجه هم از وظایف مجلس سبک بشود.

در سال گذشته از جناب آقای نخست وزیر بمناسبت استانی کردن بعضی بودجه ها تشکر کردم این تشکر باقی است تا اینکه جنابعالی در فرمایشاتی که خواهید فرمود میزان توفیق در این امر را هم يك اشاره ای بفرمائید. اما از ظواهر جلد و کاغذ و سایر مقدمات بودجه که بگذریم در اینجا عناوین بر آورد هزینه ها که اگر آقای دکتر مجیدی بودند بهتر میتوانستند توضیح بدهند (یک نفر از نمایندگان - آقای دکتر کاظم زاده توضیح میدهد) ما يك هزینه دستگاهها داشتیم که همه میفهمیم يك قسمت هم بر حسب مواد هزینه داریم اینهم قابل فهم است اما در بر آورد هزینه (بند) آقای دکتر سعید جنابعالی چیزی میفهمید؟ این چی است اینرا منم نفهمیدم ایشان هم نفهمیدند پس اقلیت و اکثریت هیچکدام نفهمیدند امیدوارم دولت خود بفهمد اما اکثر اوقات یاد دوست بسیار عزیز من مرحوم منصور میکنیم بعضی افکارش بسیار خوب بود در همین صورت مذاکرات مجلس دارم که آن مرحوم میگفت بودجه باید بطوری تنظیم شود که برای تمام افراد عادی مملکت هم قابل فهم باشد این بر آورد هزینه بند چی است (خواجه نوری - هزینه تفکیک و تقسیم بندی شده ممکن است اسمش را بخش بگذارند) حالا چون در این ردیف رقمی تنها به بودجه بند تمام نمیشود کلمات را در کواچ طوری انتخاب بفرمائید که همه قبول داشته باشیم این جزو خدمات دولت که جانشین بودجه تفصیلی شده منتهی با این تفاوت که سابق بودجه تفصیلی عبارت از این بود که تعداد کارمندان، رتبه‌هایشان، حقوقشان معلوم بود ماده بنامه آن با حضور رئیس حساب و رئیس حسابداری وزارتخانه و اداره مر بوطه و اعضا کمیسیون بودجه مجلس رسیدگی میشد و تصویب میشد و بعد از شوال قیر برای رؤسای حسابداری

وزارتخانه هارسیدگی کمیسیون بودجه مجلس روز سختی بود اما حالا ما آمدیم این بودجه را با این صورت در آوردیم و آن بودجه تفصیلی را هم ما فقط در کتابخانه و اطاق شخصی خودمان در خانه مان میخوانیم بخوانیم دیگر در کمیسیون مجلس مطرح نمیشود نتیجه اش میدانید چی میشود در قسمت این بودجه تفصیلی که توضیح کارهای مر بوطه دولت است يك قسمتهای هم مر بوطه دستگاه جناب آقای نخست وزیر را برایشان میخوانم از جمله شماره گذاری اما کن با نخست وزیر است آقا شما اینقدر کار ندارید که میخواهید خودتان شماره گذاری اما کن را بکنید؟ بعد از شماره گذاری اما کن میرسیم به تهیه اطلاعات چهار چوبی. حالا لابد توضیحش را خودشان میفرمایند که تهیه اطلاعات چهار چوبی چی است چون جزو وظائف نخست وزیر است. از این اطلاعات چهار چوبی و مسائل امثال آن بگذریم باز روزی که جناب آقای هوبدا به اسم وزیر دارائی در این مجلس تشریف فرما شدند برنامه دولت که عنوان شد و همچنین چندی قبل که همکاران دولتی ایشان در مجلس بودند و نسبت به بودجه‌ای که از طرف دولت قبلی داده شده بود عنوان کردند که باید تمام سازمانهای مملکتی استاندارد بشود و این تفاوتهای فاحش از بین برود و يك هماهنگی واقعی بوجود نیاید من چند نمونه از این بودجه را میخوانم.

تشکیلات دارید، وزارت دارید، اداره کل دارید، انستیتو دارید، مرکز تحقیقات دارید، سازمان هم دارید اینها همه اش کافی نیست که بعد از اینها مؤسسه هم داریم شرکت سهامی هم داریم شرکت ملی هم داریم شرکت خالی هم داریم اینها همه هر کدام دستگاههای مستقلی هستند که جدا جدا بودجه شان مستقل است در يك وزارتخانه سازمان آب و برق منطقه داریم و شرکت برق منطقه‌ای هم داریم البته اینها همه يك توضیحاتی دارد شاید بیایند بگویند که آنجا که تجارتنی میخواهیم عمل کنیم اسمش را شرکت گذاشته‌اند و چون آب را از جاه میکشند مؤسسه نامیده‌اند اما خیر اینها همه اثر بی توجهی است ضمناً مؤسسه آبشناسی هم داریم سازمان نواحی صنعتی هم داریم سازمان مرکزی

نشان کشور را هم داریم پس چون این اسمها کافی و واقعی مفهوم واقعی نیست که تا ما بدانیم این سازمانها منصدی چه کاری هستند من از دولت خواهش میکنم همانطور که سابق برای کتابهای قدیمی آخر سر غلط نامه مینوشند يك توضیح نامه‌ای هم از این بعد برای بودجه تنظیم نکنند تا اینکه ما بدانیم این لغات در دستگاه دولت شما بجه مفهومی تعبیر میشود و اما چون اشاره‌ای با سازمان مرکزی تعاون کشور شد در آن حدی که من بخاطرم هست در قانون اساسی داریم که سازمانهای مملکتی باید بتصویب مجلس برسد من نمیدانم که سازمان مرکزی تعاون کشور کی بتصویب مجلس رسید و اگر ترسیده جزو نخست وزیر است لذا شما بودجه مصوبه آنرا طبق قانونی که مر بوطه بخارج نخست وزیر است باید خرج بکنید اما يك خلال مشکلات جناب آقای عظیمی پیش آمده آن کلمه کمک است مفهوم کلمه کمک در بودجه عبارتست از حذف تمام مقررات مجلسیان محترم ما باید بدانند وقتیکه دستگاهی خواست پول ملت را که با همین ترتیب از صندوق دولت پرداخت میشود بدون هیچ مقرراتی بدون هیچ چون و چرائی خرج نکند فقط با يك کلمه سه حرفی کمک تمام مقررات را از بین ببرد و اصلا استدلال هم این است این سازمان مرکزی تعاون کشور برای کمک بمردم تشکیل شده لذا دولت هم کمکی میخواهد بدهد و بگوید، بنده استدعا میکنم اگر مجال شد و صلاح دانفتید توضیح بفرمائید که نحوه خرج سازمان مرکزی تعاونی کشور چگونه است اگر باید طبق مقررات دولتی و دیوان محاسبات آئین نامه و معاملات دولتی انجام بگیرد باید که جزو نخست وزیر بنویسند اگر که این نحوه کار طوری است که اشکالاتی فراهم خواهد کرد باز کوتاهی از من نیست و باید لایحه مر بوطه اش را قبل از این بودجه بمجلس لطف میکردید.

حجم بودجه :

اکنون بعد از این مقدمات و اصطلاحات و ایرادات ننده اجازه میخواهم فصول جدا گانه از رقم ۲۷۳ میلیارد، ۱۵۵ میلیون ریال، ۵۹۳ هزار ریال و حجم این رقم و نسبت این رقم بدرآمد ناخالص ملی ما و اثرات يك چنین

نسبتی با هم، يك اشاره‌ای بکنم و بعد از این نسبت بقضولی از قبیل درآمد، هزینه، نفت، دفاعی و هر يك از سازمانهای مملکتی بطور خیلی مختصر هر يك دو جمله و سه جمله نگاه می‌کنیم و يك نتیجه‌ای بگیریم. ابتدا حجم بودجه شما یعنی ۲۷۳ میلیارد ریال.

شرح مجموعه کل مرغ سحر داند و بس

• که نهر کو توری خواند معانی داند
شرح این مطلب را جنابعالی درک میکنید (اشاره به آقای نخست وزیر) در آمد ناخالص ملی که تحصیل کرده‌های امثال ایشان به G.N.P. گروس نایشنال پروداکت

« Gross National Product »

درآمد ناخالص ملی عنوان میکنند و وقتی به کتابهای مراجعه کنید این جمله را بهمان صورت G.N.P. میبینید (یک نفر از نمایندگان - تفسیر بفرمائید) هر وقت شما گفتید اصطلاح چهار چوبی چیست من هم میگویم این چیست (خنده نمایندگان) ، بهرحال این G.N.P. یعنی درآمد ناخالص ملی و عبارتست از تمام فعالیتها و تولیدات يك مملکت آنچه که شما دولت اقتصاددان در این چند سال اخیر نشریاتی منتشر کرده‌اید همه حاکی از این است که نسبت حجم بودجه يك مملکت به نسبت حجم درآمد ناخالص ملی از بین ده درصد و بیست درصد نباید تجاوز کند یعنی يك مملکتی در حال اقتصاد سالم و میزان دخالت دولت در کار مردم به نسبت صحیحی انجام شده ، من يك از قامی برای سروران گرام یاد آور میشوم در آمریکا این درآمد ناخالص ملی در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار است و بودجه شان در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار است یعنی نسبت در حدود ۱۸٪ و این مر بوطه بودجه سال ۶۷ است در فرانسه درآمد ناخالص ملی ۴۶۱ میلیارد فرانک است و بودجه شان در حدود ۱۰۵ میلیارد فرانک است یعنی در حدود ۲۲ درصد در انگلستان درآمد ناخالص ملی در حدود ۳۷ میلیارد پوند است و بودجه شان ۹ میلیارد پوند یعنی ۲۵٪ و در ایران عزیز ما جناب آقای دکتر شاهقی درآمد ناخالص ملی که از هشت میلیارد دلار بیشتر نیست ولی بودجه ۲۷۳ میلیارد ریالی شما که

در حدود چهار میلیارد دلار می شود یعنی چه؟ یعنی نسبت حجم بودجه ما نسبت بحجم درآمد ناخالص مملکت به ۱/۵۰ نزدیک میشود این نمودار چیست؟ این نشان میدهد که دخالت دولت در کارهایی که به ما امر بوط نیست از حد معقول و سالم گذشته، از ساختن کنسرو در شاهای و فنداق زیر سلواری دخترانه در فروشگاه فرودسی و موشک و اتم در دانشگاه تهران همه کار را دولت بدون اینکه احتیاج داشته باشد دخالت میکند دولت احتیاج ندارد ولی اشخاصی ریاست میخواهند کارمند میخواهند، این کارها بعضی اوقات يك منافی هم دارد، البته جناب آقای نخست وزیر با بیاناتی که چند روز قبل فرمودند و من اولین بار بود که از حضرت تعالی این نحوه بیان را میشنیدم که ما را از تعقیب از اصول اقتصادی منع فرمودید و تذکر دادید که ما باید چشم بکنیم، من هم با شما موافقم ولی قبل از يك جهش با يك چوبی، آن طرف چوبی را باید ببینیم که چقدر سفت است یا پای ما فرو میرود یا نه، متانت را بگذردی مردود دانستید من شما را نمونه متانت میدانستم و این رویه های خودتان را حفظ بفرمائید زیرا از شیر جمله خوش آید و از غزال ام، آن کسانی که حضرت تعالی را به این شیوه ها تشویق میکنند قطعاً شما ارادت باطنی ندارند، باید اصول اقتصادی را با توجه به احتیاجات و مقتضیات زمان و مکان مدنظر بگیریم و آنجائیکه رشد اقتصادی شما بالا رفت تجلیل و تعریف می کنیم ولی برای اینکه همیشه از این رشد استفاده نکنیم بساد آوری هائی میکنیم که با توجه به این احتیاجات کارها خوب پیشرفت کنند، دلیلی دارم که ما باید توجهی خاصی به این مسائل بکنیم همه میدانیم در مملکت ۸۰۰ میلیارد دلاری آمریکا دو برنامه رئیس جمهور ایشان عنوان کرد یکی زیبایی آمریکا و یکی هم مبارزه با فقر، شاید از کلمه زیبایی آمریکا لایحه نو سازی دولت مابخاطر تان افتاد و همه تان راناراحت کرد، به آن هم میرسیم، اما این برنامه زیبایی آمریکا و مبارزه با فقر جلب توجه صاحبان عقاید اقتصادی آمریکا نمودند در عین حال که همه کسانی که در آمریکا زندگی میکنند

هم به زیبایی آمریکا علاقه مندند و هم چنین به مبارزه با فقر و در عین حالیکه امیدوار به توفیق دولتشان در برنامه هستند لازم میدانند بدولت تذکر بدهند که توجهی به تزلزل ارزش دلار داشته باشید و بگویند برای انجام این برنامه ها دو کار بیشتر نمیشود کرد یا ما باید مالیات بیشتری بدهیم یا شما باید برنامه های درجه دوم و سوم را به بعد موکول کنید، البته شکر خداوند از برکت وجود شاهنشاه در اینجا هم تحسین و تجلیل از عملیات بانک مرکزی خودمان ارزش و استحکام ریال ماروز بروز در دنیا بالاتر میرود و ما هم سیاست گزاریم ولی این امر نباید ما را به اشتباه بینداند بلکه بمثال آنکسی که پنج تومان پول در جیب دارد خیلی راحت خرج میکند و کسی که یک کیسه پولی نزدیک به خانه ساختن دارد حساب میکند و در بنار دینار صرفه جوئی میکند، ما ترقیاتی کرده ایم که باید این ترقیاتی را حفظ کنیم، چون شما اهل مطالعه هستید برای مطالعه شما جزو های آوردن شاید اغلب دوستان من که در کارهای اقتصادی سررشته دارند باسم «ویلیام بتلر» از رؤسای مهمترین بانک های آمریکا آشنا باشند که در همین ماه گذشته نظری کرد البته ما به آنها کاری نداریم و اقتصاد و صلاحیت مملکت خودمان را خودمان میدانیم ولی باید بدانیم اگر چرخ چهار ماشین هم سایه خوب سفت نشده بود و معلق شده ما باید بند بگیریم چرخ چهارم تا بمیل خودمان را سفت کنیم به این مناسبت اگر لازم دانستید اصل نطق را خدمتان میدهم ولی مفید میدانم این چند کلمه را برایتان بخوانم، اگر بخواهیم اصول مبارزات و مشکلات را خلاصه کنیم باید بگوئیم در عین حال که ما حد اکثر رشد اقتصادی احتیاج داریم باید به تثبیت قیمت ها هم توجه خاصی داشته باشیم تا انجام کارهای زیاد مربوط به برنامه های عمرانی بزرگ دولت آنهم در مدت کوتاه با خطر بالا رفتن قیمت ها مواجه نشود که در غیر اینصورت بخصوص به آن طبقاتی که زندگی محقر فقیرانه دارند بیش از آنچه در این رشد اقتصادی خواسته باشیم نفع بوسانیم با اضافه شدن قیمت ها ضرر خواهیم رساند، ضرری که ناشی از همین برنامه های بزرگ دولتی است و اینجا مطلبی بسیار بسیار

مهمتر از قسمت اول «مضافاً بر این که بر اثر فقدان تخصص کافی در رشته های مختلف انجام این امور توأم با ضایعات اقتصادی بسیار خواهد بود» این مطلب مربوط به مملکت ما نیست شکر خداوند به قیمت های ما در سال گذشته يك درصد هم اضافه نشده بله، ولی در عین حال که هر کت لاک پشتی معتقد نیستیم در عین حال که تمام پیشرفتهای سریع و سالم را ستایش میکنیم و وظیفه خود میدانیم بگوئیم آنجائیکه سرعت زیاد تر شد راننده باید بیشتر مواظب رل و چراغ راهنما و ترمز و تمام وسائل احتیاطی دیگر باشد به همین جهت بزرگترین دستگاهاهی اقتصادی که بشر در تاریخ خود سراغ نداشته با ۸۰۰ میلیارد دلار G.N.P و با ۵/۵ میلیون شاگرد در دانشگاه و با داشتن تجاوز از دوهزار مؤسسات عالی و دانشگاهی میگوید بزرگترین فقدان متخصصین کافی در رشته های مختلف انجام این امور توأم با ضایعات اقتصادی بسیار خواهد گسردید یعنی احتمال دارد سدی به شصت سدی که آقای پردلی شاره میکنند ساخته شود، پس ما باید قدری توجه داشته باشیم، نمیگوئیم از رشد اقتصادیمان کم بکنیم، شکر میکنیم خدا را که بیشتر بشود، نمیگوئیم از سرعت کم کنید ولی تا آنجا که جا دارد، و جا دارد، حساب بکنید و جلو بروید رقم نصف درآمد ناخالص ملی برای بودجه يك مملکت کم خیالی سالمی نیست، غرضه دارد نشان میدهد که به نظر فرمز نزدیک میشود، باید مواظب باشیم، از کارهای سالم از کارهای خود نمائی، از لو کس و تشریفات که بعد از آنها میرسیم در همه کار رقابت کردن با مردم قدری کوتاه بماند، به کارهای اصلی خود دولت بپردازید شما کارمندان را به ۳۳۰ هزار نفر رسانده اید، فراموش نمیکنم بی مقبل بود اگر فراموش نکرده باشم در اینکه مرحوم علاء که خدا بیامرزش از سردان بزرگ بود، (چند نفر از نمایندگان - خدارحمت کند) در همین باغ مجلس جلسه داشتیم که کارمندان حقوق بگیر از دستگاه دولت را کم بکنیم، بنده دو قرن قبل در مجلس نبودم، همین چند سال قبل را عرض میکنم در آن موقع تعداد کارمندان دولت دو بیست هزار نفر بود، بر اثر همین کارهای غیر لازم شما کارمندان شما به ۳۳۰ هزار نفر رسیدند، کارمند دولت سازنده مملکت است، کارمند دولت شریف است، کارمندان دولت اکثر از طبقه تحصیل کرده هستند، همه با این مطالب موافق هستیم ولی فراموش نکنیم اشخاص وقتی به حیطه کارمندی دولت در آید تغذیه آنها از حیب مات باید باشد (اصحیح است) و فراموش نکنید اگر بخواهید يك صحنه در تاربخ مجلس ایران نشان بدهید بیاید من و شما بخیابان برویم و به کلا نتری بگوئید عبور و طرف خیابان اسلامبول را قطع کنید ببینیم از هر چهار نفر که رد میشوند دو نفر کارمند حقوق بگیر دولت است، این جا است که حجم بزرگ شمار نشان میدهد ضایعات اقتصادی را توجه داشته باشید و به همین جهات است که شما نمیتوانید آنوقت حقوق حقه کارمندان را که خدمت کرده اند و در قضاوتخار آمیز باز نشستگی را از شما گرفته اند و بد بواری خانه خودشان نصب کرده اند، حقوق کامل اینها را بدهید برای اینکه آن چاهی که قبلاً کنده تانگلیش را معامونکس کرده اید و سراغ کار دیگری رفته اید اما در مورد کارمندان که صحت شد يك مطلب کوچکی عرض کنم، جناب آقای بوشهری شما هم بدانید، طبق قانون جدید استخدام مادون نوع شغل بود و نوع کارمندانیم، طبیعتاً هر کسی اول فکر میکند که دسته ای از کارمندان با آن نوع شغل اشتغال دارند دسته دیگر با این نوع شغل اشتغال دارند ولی اینطور نیست ما دو شغل داریم يك مشمول و یکی غیر مشمول مشمول یعنی چه غیر مشمول یعنی چه غیر مشمول یعنی چه؟ مشمول عبارت است از کارمندی که در حین خدمت حقوق نسبتاً کمی میگیرد و کارمند رسمی دولت است فکر میکنند روزی که باز نشسته شد يك باز نشستگی نسبتاً زیادتری دولت به او میدهد و حقوق و زنده گی و آبروی او را تأمین میکند به امید اینکه با حقوق کم فعلی میسازد و قاعده این است که در این شغلها کارمندان رسمی دولت قرار بگیرند اما غیر مشمول عبارت از این است که میگویند چون کارشناسان اقتصادی و مردان زبده و کار آمد با این حقوقها تمکین نمیکنند برای استفاده بیشتر از این وجودها حقوق های شبیه امریکا بدهم ده هزار تومان بیست هزار تومان و بیست و پنج هزار تومان شاید هم بیشتر وقتی که

رشد اقتصادی و تثبیت قیمت ها :

این ۲۷۳ میلیارد بینیم از کجا تأمین میشود يك مقداری از این ۲۷۳ میلیارد از طریق تأمین از منابع دیگر است این تأمین از منابع دیگر با وامی است که خیلی خوب برای يك کار خوب از خارج میگیریم با وامی است که از دستگاههای داخلی و خاصه از بانکهای ملی و مرکزی میگیریم نگاه بکنیم بینیم از این پیش بینی شما چقدر تأمین میشود ما در بودجه سال ۴۱ تا ۴۶ برای همین گونه تأمین ها جمعاً ۶۲ میلیارد ریال پیش بینی کردیم ولی چه مبلغ موفق شدیم تأمین بکنیم ۱۸ میلیارد یعنی قریب ۲۲ درصد آنچه که پیش بینی کرده بودیم و امسال جمعاً میخواهیم ۳۳ میلیارد شش ماهه ۶۲ میلیارد ، امسال میخواهیم بنهائی ۳۳ میلیارد تأمین کنیم من اصلاً از حضرتعالی میپرسم که ما چرا مال خودمان را گذاشتیم میخواهیم برویم وام بگیریم وام را دفعه دهم است عرض میکنم مخالف نیستم البته نه هر وامی را وام سالم را مخالف نیستم اما با داشتن این منابع نفتی چرا آن همتی که برای دریافت وام میکنیم در از دربار در آمد نفت خودمان نمیکنیم بنده راجع به نفت عرابی دارم بعد عنوان میکنم در سال ۴۲ ما پیش بینی دو میلیارد و چهارصد میلیون ریال تأمین اعتبار کرده بودیم فقط موفق به تأمین يك میلیارد ریال شدیم در سال ۴۳ دولت از ۷ میلیارد و سیصد میلیون ریال که پیش بینی کرده بود فقط ۱۱ درصد یعنی يك میلیارد ریال را توفیق پیدا کرد و در سال ۴۴ از ۹ میلیارد و پانصد میلیون که پیش بینی کرده بود فقط دو میلیارد و سیصد میلیون یعنی ۲۵ درصد را تأمین کرد و در سال ۴۵ از ۲۲ میلیارد و هشتصد میلیون فقط ۵ میلیارد یعنی بیست درصد و در سال ۴۶ یعنی سالی که گذشت ما از بیست میلیارد و پانصد میلیون تا این روزی که نزدیک به آخر سال است و من اطلاع دارم هنوز به ۸ میلیارد نرسیده یعنی چشبه یعنی حداکثری که توانستیم در دریافت این وامها توفیق پیدا کنیم ۴۵ درصد بود و بعضی سالها از ۱۱ درصد تجاوز نکرده فرض میکنم روی این تجربه گذشته که آئینه ای برای آینده است شما از حداکثر تعلم آدمی قبل بیشتر موفق بشوید و ۵۰ درصد بگیرد نتیجه چه میشود؟ قبل از اینکه وانی

میپر سید بجه مناسبت ۲۵ هزار تومان حقوق میدهد میگویند او نامدنی که کار میکند این حقوق را میگیرد دو بعد که باز نشته شد از امتیازات حقوق رسمی استفاده نمیکند اما فکر بکر این اشخاص اقتصادی این چنین است که همان کارمند رسمی با همان امتیازات ایام باز نشتگی در پست مقامات غیر مشمول می نشینند و حقوق دهو بیست هزار تومان را میگیرند خوب اینجا می بینیم که دولت مطالب را خیلی خوب عنوان میکند نمائندگان بفکر مصلحت مملکت موافقت میکنند ولی در عمل هر جائیکه راهی برای برداشت بیشتر از خزانه دولت به جیب متصدی است این جزو عوامل مستحب کار دولت در آمده و جناب آقای هونیدا سعی بفرمائید شما صرفه جوئی کنید تا سر مشق سایر مردم بشوید شما در پس اندازهای ملی پیش بینی کردید که در این برنامه آتی صرفه جوئی فوق العاده ای میکنند ولی دولت همیشه باید سر مشق مملکت و ملت باشد شما وقتی يك کارمند رسمی که حقوق منتظر خدمت او نهصد تومان است و حقوق اشتغال او دو هزار تومان بعنوان تصدی شغل غیر مشمول ۱۷ هزار تومان حقوق میدهد دیگر اعتقادی نمیماند در مردم که بگویند ما دارم دینار بدینار صرفه جوئی میکنیم بنده پس از این بحث بر میگردم و با توجه به اینکه رشد اقتصادی ممالک در حال توسعه گاهی به چهار درصد هم نمیرسد ممالک مترقی هم کمتر از رشدهای اقتصادی ۶ درصد و ۷ درصد برخوردارند توفیق مملکت را در این رشد اقتصادی فوق العاده یکبار دیگر سیاستگزاری میکنم و تجلیل میکنم و اصرار دارم که این مسائل را بخصوص توجه بفرمائید که امکان ادامه این رشد بماند و اما با اشاره ای که قبلاً کردم این رشد اقتصادی موقعی مفید خواهد بود که قیمت ها گران نشود و الا اگر در آمد من ده تومان زیاد شد خرج من در همان گرانی ۱۱ه تومان رسید بهتر است نه آن رشد باشد و نه این گرانی خوشوقتی ما این است که قیمتها با بالا رفته اما مذاکرات من برای اینکه مواظب باشید قیمتها بالا نرود بی اساس نبود در بودجه شما آثاری میبینم که اگر با مراقبت کافی کار را هدایت نکنید خطر گران شدن هست دلیلش را عرض میکنم.

این نتیجه گیری بشوم برای اینکه ارقام مزبور را يك کنترلی کرده باشم بنشریه سازمان برنامه توجه کردم دیده نشریه سازمان برنامه عین این ارقام را تأیید میکند یعنی میگوید از ۲۳۰ میلیارد ریال برنامه ای که قرار بود اجرا بشود فقط ۱۸۴ میلیارد ریال آن انجام شده و این اختلاف ۱۸۴ تا ۲۳۰ که میشود ۴۶ میلیارد ریال عین آن رقم تأمین اعتباری است که دولت باید ۶۲ میلیارد ریال وام بگیرد و ۱۷ میلیارد ریال بیشتر نتوانست بگیرد یعنی اختلاف ۶۲ میلیارد و ۱۷ میلیارد هم میشود نزدیک همان ۴۶ میلیارد ریال مطابق همان اختلاف ۲۳۰ میلیارد و ۱۸۴ میلیارد است که آنهم ۴۶ میلیارد ریال است چه نتیجه بگیریم یسکی از این دو کار بیشتر نیست با برنامه را تمام نمیدهم رشد اقتصادی شما متوقف میشود که هیچکدام راضی نیستیم با مجبوریم که این تأمین اعتبار را به بعد موکول بکنیم برنامه های آتی شما متوقف میشود و با آن رزبه ای که تا بحال عمل کردید و آن چیه که من هم نمی پسندم شما تا آنجا که زورتان رسیده از بانکهای بانکهای داخلی استفاده کردید این مطلب ما را که هدایت میکنند نکته قابل توجهی است ظاهرش شاید کسی تصور کند چه بهتر ما وام باید از خارج بگیریم نگر فتم کمتر بدهکاریم حالا از داخل میگیریم خیر مطلب این نیست بحث بز میگرد روی خطر زیاد شدن قیمت ها، قیمت ها چطور میشود زیاد میشود عدم توازن عرض و تقاضا یعنی از خارج وام نمیگیریم از کافی برای واردات نداریم و فتنه که از کافی برای واردات نداشتیم واردات ما که کم شد آنچه نسبت کالاهای سرمایه ای است به اساس برنامه های ماصدمه میزند آنچه مربوط به کالاهای مصرفی است در بازار کمبود حاصل میشود تا اینجا که عیب ندارد عیب اصلی در این است که اگر دولت برای انجام این برنامه ها از بانکهای داخلی وام گرفت و خرج کرد و پول بدست مردم پیش از حد رسید آقای دکتر نهانندی جنابعالی استاد اقتصاد هستید چه میشود بنده بقیه اش را نمیگویم و خواهش میکنم که شما در اطاق هیئت دولت از وزیر آبادانی و مسکن سؤال کنید (اشاره به آقای نخست وزیر) اما نکته دیگر این است آن رقمی که جناب آقای خواجه نوری خوانده

بودند و بخاطر نداشتند باز پرداخت وامهای ما در امسال ۶۲۵ میلیون است راجع بوامهای داخلی ولی بابت این ۶۲۵ میلیون ما ۱۲۱ میلیون بهره و هزینه میدهم از دولت ممنونم که در این جا نوشته اند و شما هم خواندید ولی من خواهش میکنم از ۵۳۲ میلیونی که بابت استرداد وام های خارجی میدهم تفکیک بهره و اصل آن را هم برای بنده بفرمائید چون در اینجا نیست از مجموعه این صحبت طولانی و تصدیع که من موجب شدم و سروران عزیزم رما زحام شدم يك نتیجه میخواهم بگیرم آنچه کارها بدست انسان است پیش بینی مقدور است ولی آنچه از دست انسان خارج و بدست طبیعت است پیش بینی انسان نیست فقط بشر در مقابل آن جز احتیاط راهی ندارد مثلاً این جمع هشت درصدی که اضافه قیمت در چند سال اخیر پیدا کردیم چهار درصد آن مربوط بسالی بود که خشکسالی مختصر در مملکت پیش آمد بنا بر این بانوجه به اینکه شما وامهای خارجی تان از حد رقم و امید و انشاء الله و تصور و احتمال چیزی خسار نیست ولی رقم مسلمی که عمل شده است دریافت از بانک های داخلی است و زیاد کردن پول در بازار ، اگر خدای نکرده آن چنانکه اشاره کردم و انشاء الله هیچوقت پیش نیاید ، محصولات و مصنوعات داخلی بر اثر کمبود و رود کالا های سرمایه ای کم شد ، مصنوعات خارجی بر اثر نداشتن ارز کافی در بازار کم شد و يك احتیاج هم به غله داشتیم و پول هم در بازار زیاد است و برای دست راست و چپ شما در خارج شما خواهند گفت چه خواهد شد جناب آقای نخست وزیر شما این صحبت ها اینکه من میکنم همه اش از دهان رامید در حزب مخالف دولت نشوید در خیلی از قسمت ها توافق فکری داریم و عراض من از زبان اکثریت هم هست یکی از آن مسائل موضوعات دینی و مذهبی است ببینید دوستان من چه در اقلیت و چه در اکثریت چقدر حساسیت دارند تا من لغت طبیعت را استعمال کردم و دوست با حقیقت و با خدای من جناب آقای صائمی اخطار کردند دست طبیعت نیست دست خداست من اصلاح میکنم دست خداست شما مردم را در راه خدا پرستی بیشتر ارشاد بکنید (انشاء الله) من روی دریافت پول از بانک مرکزی

زیاد صحبت کردم ولی بی دلیل نیست شواهدی دارم، میگویند ارقام صحبت میکنند این ارقام از این قرار است بدهی دولت بمانک هر کزی در سال ۴۱ بدون پشتوانه ۱۵ میلیارد بایستوانه ۲۵ میلیارد در سال ۴۵ بدون پشتوانه ۲۸ میلیارد با پشتوانه ۴۸ میلیارد یعنی چه سرکار خانم تربیت یعنی از سال ۴۱ تا ۴۵ جمعا فقط ۱۳ میلیارد دولت گرفته در ۴۸ ماه ولی در ده ماه سال ۴۶ به تنهایی ۱۳ میلیارد گرفته توجه فرمودید پس چون من میبینم که این راه خیلی راحت شده برای دولت وظیفه خود میدانم بگویم پیش از من قطعاً جناب آقای نخست وزیر به این ارقام واردند و قطعاً مشکلات و معضلات کارهای مملکت را توجه دارند و به این راه پیوستند ولی این توجه سلب مسؤلیت از من نمیکند منم بسهم خودم باید این عمل را در اینجا یاد آور بشوم که احتیاط کنند (بانو تربیت - اعتراف میفرمائید که احتیاط ها شده است) از نزاکت من خیلی سوء استفاده نفرمائید (خنده نمایندگان) تمام این تذکرات بر گردیم به قسمت اصلی که تمام ملت ایران باید بدانند به این سبب است که ما با وجود این رشد اقتصادی بسیار قابل توجه رقمی که بخاطر دارم از سال ۴۱ تا ۴۶ اضافه قیمت و اختلاف ترفی در عمده فروشی ۱۰۲/۲ بود به ۱۱۱/۱ رسیده یعنی در عمده فروشی ۸/۹ درصد بیشتر ترفی نکرده و هزینه مصرف زندگسی ۱۰۸/۲ بوده به ۱۱۹/۹ رسیده یعنی جمعا از ۱۱/۷ درصد ترفی نکرده و برای سالهای ۳۴۱ تا ۳۴۶ که بخصوص ۴ درصد مربوط بیک سال استثنائی کم آبی است بسیار باید خوشوقت بود ولی بهمین مناسبت این تذکرات لازم است که این وضع ادامه پیدا کند این مسائل از لحاظ کلی مملکت گفتنش بنظر من لازم بود.

بودجه عادی :

از لحاظ بودجه عادی دولت از این بودجه عادی دولت ۱۳ میلیارد و خورد های از محل نفت میگیرید بطبق مقررات خودمان ماه قبول داریم ولی بازار همان راه جلها بعنوان برنامه های عمرانی هستند، در همه چیز که سازنده شدیم در ملت هم سازنده شدیم ۱۰ میلیارد ریال از سازمان برنامه بودجه عادی دولت میدهم البته عنوانش هم هست که راههای فرعی میسازند کارهایی میکنند اما خودمان میدانیم که

درآمدها و مالیات ها :

بنا نگاه می بردآمدهای اساسی مملکت بعنوان مالیات ها به پیر میکند، گفتم که چیست راه نجات بخواست جام می و گفت راز پوشیدن مادر اینجا درآمدهایی که از حساب جناب آقای دکتر آموزگار میبینیم دو میلیارد بابت مالیات مستقیم زیاد نده احسنت شما، آفرین، اما این دو میلیارد يك نكته مهمتری دارد چون بنده جناب آقای دکتر آموزگار بدقت نگاه میکنم و سعی میکنم که خیلی سریع بگذرم آنست که وقتی شما تشریف نداشتید اشاره کردم که هر گرفتاری يك عکس العملی دارد، مبلغش، نحوه اش، طرز و صولش بهمان پول خاتمه پیدا نمیکند اثرات اجتماعی آن به مراتب به مراتب زیاد تر است شما مالیات مستقیم را هر چه زیادتر کنید من شما احسنت میگویم هر چه صحیح وصول کنید از شما سیاست گزاران ما بدانجا نرود که نحوه وصول حتی از نرومندان که آنها هم نا آنجا که کار صحیح میکنند تبعه این مملکت هستند و باید اطمینان و رضایت خاطر کامل از اجرای قوانین داشته باشند تا این نرومندان شادتر گتهای شما بوجود نیاید و بتا شرکت و کارخانهها بوجود نیاید کارگرها در آنجا کار نمیکند پس همه امور مثل زنجیر هم پیوسته اند ما امور مالیات شما هر چقدر که تا دینار آخر درست وصول کنند تحسین بر شما ولی نحوه تماس ما مور مردم وضع دشمنی دولت با ملت نباید بخود بگیرد يك قسمت دیگری که باز بعضی ها خیال میکنند که من بخود شما اظهار اعتقاد میکنم اینطور نیست هم اکنون یکی از دوستان من از حزب مردم برای من یادداشتی فرستاده و گفته است از بابت مالیات بهره هم به ایشان تبریک بگوئید اما کار به اینجا خاتمه پیدا نمیکند شما ۲۰۰ میلیون تومان مالیات خصوصیتان شایان تحسین است ۷ میلیارد ریال اضافه شدن مالیات غیر مستقیمتان شایان تحسین نیست برای اینکه این خود امسال به تنهایی علامت این است که ۲۵ درصد اضافه شده یعنی این ۳۵ میلیارد قبلا ۲۸ میلیارد بوده تبدیل به ۳۰ میلیارد شده و از یاد داد ۱۰ میلیارد یعنی اضافه ۲۵ درصد دلیل خوبی نیست آقای دکتر عالیخانی متأسفانه تشریف بر نداشتند میخواستم

خیلی هم همداش برنامه ای نیست يك مقدارش هم عبارتست از حقوق ها و بطور کلی باید برنامه ها طوری تنظیم بشود که کارها که اجرا شد خوب بود دستگاههای دولت شد دیگر بدنبال آن از سازمان برنامه پول برای حقوق کارمندان نگیرند اما از این مطلب يك قدری جالب تر رقم صرفه جوئی شماست که ۱ میلیارد و ۸۰۴ میلیون ریال صرفه جوئی میخواهید بکنید اصل صرفه جوئی خیلی خوب است اما در بودجه برنامه ای دو حالت که بیشتر پیش نمیدانم بر آورد را غلط کردید منتظر بود عمل از این ارزانتر انجام بدهید که این را منم باشما موافقم اصولاً واحد قیمت های شما خیلی بالاست. بامیخواهید يك قسمت از برنامه را انجام ندهید کدام يك؟ حالا اصلاً چرا این را اینجا نوشتید اگر بعضی ۱/۱ میلیاردی ۸۰۴ میلیون رقم سعی میکردید ۸۰۴ میلیون را از راههای دیگری در محل تأمین اعتبار میکرداشتید يك میلیون صرفه جوئی میکرداشتید چون بهر حال ضابطه ای که نیست پس بطور کلی جناب آقای نخست وزیر این ۱۰ میلیارد برنامه های عمرانی مستمر آن ۱/۱ میلیارد ۸۰۴ میلیون صرفه جوئی و آن ۱۰۰ میلیون دیگر تأمین از محل های دیگر خودتان هم میدانید جزو نواقص برنامه های شما و نواقص بودجه شماست اما محل های دیگر حالا که ضمن کارهای شما بعضی جاها خیلی ماهرانه هست من قسمت های عام المنفعه را نمیگویم اگر جای شما بود چون آن قسمت عام المنفعه ۵ میلیاردش اگر رقم مربوط شیر و خورشید را میبینیم خوشحالیم سیاست گزاریم سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را میبینم خیال میکنم نمایندگان اولین مؤسسه درمانی شهرستانشان همان سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است (صحیح است) اما بعد از آنها ارقام عجیب و غریب میبینیم در بحث هزینه میرسیم میگوئید ماهی استروژن و آنقدر خاورداده را و بال با هزار تومان چقدر، چقدر از صید شمال میگیرند و بعد شما میگوئید که معادل این مبلغ در بودجه شما يك زورخانه داده میشود و این جزو منابع عام المنفعه است بعد میرسیم در قسمت کشاورزی چه بی توجهی شده و اما در مورد درآمدها غیر از نفت و غیر از تأمین از منابع دیگر

نباشد که موضوع قاچاق مطرح شود. اما علاوه بر این ۱۰ میلیارد بود که صد میلیون از نفت گاز میگیرید ببنیم نفت گاز چیست این نفت گاز مصرف آن کاه یونهای بزرگ و دیزلی حمل و نقل است این مصرف نفت گاز عبارت از سوخت اکثر آن موتورهای کشاورزی که در زیر شاه سیمهای برق سراسری مملکت کار گذاشته اند اگر دستگاه وزارت آب و برق بهتر کار و توخیش را نشو نهایی خیابان جمع نکرده بود و متوجه بود که هزار میلیون برای روشنایی شهری که خودش قبلاً موتور داشت تنها نیست هزار میلیون تومان پول برای این است که امر و زبشوانند بمن بگویند بکنفر کشاورزی که سرفق کشاورزی دادند کیست؟ (آفرین) (بکنفر از نمایندگان - دشت قزوین) دشت قزوین بسیار خوب است ولی بسته هائیکه الان نوشته آقای فرهاد پور را هم خواهم خواند قشنگتر است! بهر حال من شخصاً فکر میکنم در مورد نفت گاز تیا بدانجا که صنعت و کشاورزی مربوط است شما کمتر بگیرید بهتر است (پردلی - برق نمیخواهیم آب را از ما بگیرند) قسمت دیگری از درآمدهای دولت عبارتست از انحصارات و اعمال و تصدی دولت خوب اینجا چون کم شده بود فوراً جلب توجه کرد رفتن سراغ علت چون ۸۰ میلیون تومان که از نفت تان زیادتر میگیرید ۷۵ میلیون تومان که از دخانیات زیادتر میگیرید ۳۰ میلیون تومان شایلات هم که از همه اجالت تراست با مصرفی که معادل همان رقم بعداً عرض میکنم چگونه بمؤسسات تفریحی خصوصی میدهد اما در مقابل این در حدود ۱۳۰ میلیون تومان از درآمد قند و شکر کم شده این هم خیلی خوب است نه خیال کنید متأسفم قند و شکر و جای وان و گوشت سیاست همه نخست وزیران قدیم بود. احسنت بر شمای روانشناس که خیلی خوب این کار را کردید اما بک مطلب اینجا بیش میاید شما از قند چقدر کم کردید؟ بکر بال. شما اگر بکر بال کم کردید ۱۳۰ میلیون تومان کسر بیآورید جمعش که ۲۰۰ میلیون بود اگر بک ربال دیگر کم کنید قطعاً باید بک چیزی هم دستی بدهید این حساب را نه اینکه ایراد داشته باشیم قطعاً توضیح خواهد بود و دولی خاطریم هست اگر شما این کارخانه های داخلی را بحال خودشان

نگذارید شاید مجبور بشوند که این قند را ۱۲ ربال هم بفروشند پس وقتی میرسد به ۲۰۰ ربال و ۲۵۰ ربال آن ما با التفاوت بک جائی میرود شما با کم کردن بک ربال از قیمت بکمر تبه صدوسی میلیون از درآمد کم شده اگر علت را نفهمیم خیلی متشکر میشوم حالا که یادداشت میفرمائید جناب آقای نخست وزیر این راهم یادداشت بفرمائید مالیاتیکه از کانسرسیوم میگیرید ۸۶ میلیون است ولی مالیاتیکه از شرکتهای بازرگانی نفت میگیرید ۹۲۱ میلیون است ناآن حدی که من اطلاع داشتم البته اگر اشتباه نباشد توضیح خواهد فرمود چون قابل توضیح است و بالاخره قسمت آخر درآمدهای دولت از اعمال تصدی خودش مربوط به شرکت های بیمه است کارخانجات دولتی است شرکت سهامی تلفن است شرکت سهامی فرش است و امثال آنها بنده آنها را در اینجا نخواهم خواند بدو سبب یکی اینکه در وقت صرفه جوئی بشود یکی اینکه بیش از اینکه من اشاره میکنم ملت ایران نسبت به این سازمانها بدین نشوند تمام سرمایه های بزرگ دنیا در شرکتهای بیمه است در کارخانجات است در بانکها است در دستگاه مملکتی ما با سرمایه بک ملت و با زور دولت این دستگاهها چرا باید متبدل خرج بکنند صرفاً عدم سلیقه عدم مسئولیت عدم صلاحیت متصدیان آنها است پس و با زهم شما اشاره میکنم تاروژی که دستگاههای بیمه شما اینطور است هیچکس با رغبت و اطمینان و اعتماد کارش را دستگاهش را و افرادش را در دستگاه شما بیمه نمیکند این کارها است که ما قانون میگذرانیم و مردم را مجبور میکنیم ولی این شما هستید که دستگاه ترا خوب نمیچرخانید (حیدر صائی - بنظر شما) این صحبتها را من خواهم میکنم متصدیان امر بی مطالعه نکنند چرا اما اینقدر صحبت از معادن مملکت خودمان خوشحال میشویم چرا وقتی به ایرانی میرسد بر اثر تبلیغات متصدیان دولتی بر میگردم میگویی که ما نفت داریم جنگل داریم منابع در بانی داریم و از همه مهمتر بجز نفت ما معادن زیر زمینی داریم پولی که بندوق شما از منابع زیر زمینی و معادن میاید چقدر است ۵ میلیون تومان یا ۱۲ میلیون تومان بکنفر بازرگان نروتمند در یکی از شهرستانهای ایران مرد و مبلغی که شما بعنوان مالیات بر ارث او گرفتید بیش از

در آمد منابع طبیعی شما است و میدانید چه کار میکنید خدا یا تو بدان که فقط در راه شاهنشاه و ملت ایران است ۵ سال درآمد تمام معادن زیر زمینی ایران که بندوق شما میاید فقط بک سالن میسازید (آفرین) اینها خدمت پشاهنشاه نیست البته من معتقدم سالن لازم است برای ایران بزرگ باید سالن های خیلی بزرگتر از اینها ساخته بشود ولی همانطور بگه متصدی لایق و باحسن نیت سالن با احتیاج ما توجه دارد و به تهیه کننده - ان احسنت میگویم بصنعتگرانش احسنت میگویم به هنرمندانش احسنت میگویم متقابلاً باید متصدیان معادن منابع درآمد راهم تذکر داد که مثل متصدی و سازنده سالن بکار خود توجه و علاقه داشته باشند که درآمدهای حقیقی ما را وصول و تأمین کنند و چون با بند ب شروع شد بنده هم با بند ب خاتمه میدهم یعنی فقط مطلب راجع به درآمدها است راجع به بند ب در قسمت بند ب یعنی متصدیان دستگاهها خودشان وصول میکنند و طبق مقررات خودشان خرج میکنند من وقتیکه مفاد مربوط به بند ب را خواندم بی اختیار یاد گذشتگان و مستوفیان و حکام افتادم که مالیات ها را بمقاطعه میدادند میگفتند هر چقدر بیشتر وصول کردی خودت بیشتر خرج کن این اساس وصول مالیات و عوارض از ملت نیست آقای دکتر آموزگار شهر بانی رحمت میکند آموزشگاه درست نمیکند برای ورود شاگردان و در آنجا نهایت دقت را میکنند که اصلاح افراد جمع شوند تمام دستگاههای انتظامی ما مراقبت دارند که بهترین سربازان و افسران را در دستگاه انتظامی و شهرداری تحویل بدهند ولی عمل من و شما وقتی که با او گفتیم هر چقدر بیشتر در آوردی بیشتر واداش میدهم هر چقدر بیشتر دز آوردید قنابلو را رنگین تر میکنیم این امر روانی است آن افسر و من و شما فرشته هم که باشد روح مرئی و حامی و رفیق و ارشاد کننده را بر روح وصول کننده و لجاج کننده و معاند و بیشتر در بیآور تبدیل میکند این اصل بند ب را آقای دکتر آموزگار انشاء الله اگر تا سال دیگر من و شما در اینجا بودیم وعده بفرمائید حذف کنید از آن گذشته مبلغ کمی نیست آن موقعی که مملکت سروسامان صحیحی نداشت و جرایم ما بعضی اشتباهات را میکردند خاطر ما میاید که بک گوشت قریبانی آویزان

کرده بودند و وزراء هم هر کدام ساطوری بدست و وقتی این ارقام را که بی بندوبار خرج میشود میبینیم هر کدام بیشتر میرسد وزارت کشور ۲۷ میلیون وزارت بهداشت ۷۲ میلیون وزارت فرهنگ و هنر ۱۰ میلیون وزارت آموزش و پرورش ۴۱ میلیون وزارت منابع طبیعی ۳۰ میلیون توسعه صادرات ۳۰ میلیون خوب هیچکس بی نصیب نمانده و سهم وزیر کار هم در بیمه های اجتماعی است **عباس میرزائی** - بیمه های اجتماعی سهمی بوزیر کار نمیدهد.

رامبد - شما اطلاع ندارید.

عباس میرزائی - من بیست سال در شورای عالی نمایندگی کار کردم در خرجش دخالت داشتم بوزیر کار سهمی نصیب نماند تمام از نامه ها موجود است بی اضافی نکنید.

رامبد - مثل اینکه سوء تفاهمی شد خیال میکنید سهم جیب شخصی است تخیر، این ارقام بند ب است.

عباس میرزائی - سهم اداره آنجا هم نیست آن بک در صد باشگاههای کارگری است.

رامبد - خوب همان باشگاهها قدری روش حرف است (خنده نمایندگان)

بکنفر از نمایندگان - همه جا حرف است.

رامبد - بهر حال از تذکرتان متشکریم.

عباس میرزائی - بنده هم از لطفتان متشکریم **بخش هزینه**:

رامبد - برسیم به بحث در هزینه ها ما در ابتدای بودجه گفتیم در بک امر بودجه میبیمت که چه میگیریم و اینهمه جمع آوری کردیم اینجا و آنجا و هر جا چگونه در بخشهای مختلف تقسیم میکنیم و نحوه تقسیم در این بخشهاست که نتایج بر نامه ها و میزان نزدیک شدن ما را به هدف نشان میدهد.

چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند

گر اندکی نه بوقرض است خرده بگیر

بهر حال در این تقسیمات چون بنده نبودم بنظر من شبیه آن جمله معروف است که گفتند جهنم مفروش است از حسن نیت تمام سخن نیت ها بکار رفته ولی وقتیکه شما نحوه تقسیمها را بخوانید میبینید هر کس زورمند و نزدیکتر و زودتر آمد سهم بیشتری برده در برابر اینصورت قبل از توجه به کالای بلاستیکه ما احتیاج به توسعه کشت

کنندم داشتیم (در این هنگام یادداشتی بنطاق داده شد) میرسیم من این را از یک روزنامه ای بر دم در این بخشها یکی بخش امور عمومی است یکی بخش امور دفاع ملی است و یکی امور اجتماعی است یکی هم دیون و تعهدات از بدو آمدن این دولت امور دفاع ملی مایلفظ ۵۰٪ ترقی کرده چون بحث نسبتاً مفصلی در این موضوع خواهم کرد از این موضوع با توافق ردمیشوم امور اجتماعی ما هم که عبارت از همان کارهای مورد علاقه تمام نمایندگان مجلس است فقط ۵۰٪ این را هم بعد بحث میکنم ولی امور عمومی ما که بیشتر روی آن جریانات حقوقها میرود ۳۰ درصد ترقی کرده است و برای اینکه یک ملاقاتی از این دیک بیرون بیآوریم شما یک نگاهی به بودجه دولت بکنید و ببینید که خرج سفر دستگاه نخست وزیر چطور از دو بیست هزار تومان به ۲ میلیون تومان ترقی کرده اعتبار خصوصی دولت در سال گذشته ۱۰ میلیون تومان بوده به ۶۰ میلیون تومان ترقی کرده و وقتی این حرفها را میزنم فکر میکنم که آن گداهاییکه سر چهارراهها صورت منظم و معمول فوراً میآیند و شیشه اتومبیل زاپا این میکنند جزء افراد این مملکت هستند اگر فقیر هستند باید نگهداری بشوند اگر سئوال کننده بی ماخذ هستند باید دستگاهها این افراد را از سر راهها بردارند و اما حقوق و دستمزدها در دستگاه نخست وزیر بی از یک میلیون به ۳ میلیون ترقی کرده میدانم جوابهایی دارد سازمانهایی جزء آن شده اند اوقاف در آنجا متمرکز شده دیگران بدانجا آمدند و چه شده ولی آنچه که بنده از دفتر نخست وزیر میدانم جز شخص شما که شغل مؤثر در برنامهها هستید بقیه حقوق بگیرند کار عمرانی نیست کار تولیدی هم نیست چون ایشان نوی مدارس درس میدهند (اشاره آقای وزیر آبادانی و مسکن) خیلی مصرند که کار تولیدی در سر لوحه کارها قرار بگیرد و بنده چون از هر جاقظ فقط دو کلمه ای می گویم از بعضی قسمت ها ردمیشوم کیست که در این مملکت از اصل دوم انقلاب شاه و ملت اطلاع نداشته باشد کی هست که از ملی شدن جنگلها از زبان تمام متصدیان شنیده باشد که با اندازه ارزش تمام ذخایر زیرزمینی خودمان باین منابع روی زمین اهمیت میدهم و این جنگل های ایران چه هست وجه هست ۵ سال

است که از ملی شدن میگردد دست مالک بعضی با انصاف و بعضی بی انصاف هم کوتاه شده و آقای پر تو چند هزار پرونده در دادگاههای شمال شما مطرح است برای اینکه یک بیرزنی فقط برای داغ کردن تور و کرسی خودش برنده است چوب خشکی بیارند او را گرفته اند که قاچاقی از چوب جنگل برده است تمام این سروصداها با دادن ۳۰ میلیون کار در جنگل و ادارات میدانید چی بدولت میدهد چهار میلیون تومان یعنی از بودجای که میخواهیم خانه نخست وزیر را تزئین کنیم کمتر جناب آقای نخست وزیر من اگر جای حضرتعالی بودم بعوض ۳۰ میلیون به کار در جنگل دادن اینجا مملکت ایران است شما دولت ایرانی هستید و هیچ جنگی بین دولت و ملت نیست بهتر است در تهیه قوانین به عوض اینکه کسی ماهی با کله ماهی نوی سفره اش پیدا کردند بصورت قاچاقچیان مواد مخدر او را تعقیب کنند یک کمی فکر کنید چرا شما این مواد سوختی را با اندازه مصرف کسانی که در نواحی جنگلی میشینید و مستأصلند یک کمی ارزاتر بکنید کمتر نمیکند و بعوض اینکه یک کمی ارزاتر بکنید که چوب دزدی نکنند و مردم در شرف ایرانی بدزدی مهم نشود امکان این را داشته باشد بعوض اینکه با سر نیزه کار در بر و بشود برود یک نفت ارزان تری از محل خود بخرد شما این طرق موافق نیستید فقط در لایحه در جهت گرفتاری مردم باید باشد ما در خرجها بمان منصف نیستیم ما در خرجها بمان بهمین علت که بودجه تفصیلی در کمیسیون بودجه مجلس رسیدگی نمیشود هیچ تعادل هیچ انصاف و هیچ معادله ای را در نظر نمیگیریم بعنوان نعوته عرض میکنم ما سازمان آب و برق خوزستان رفتم بمناسبت سد محمد رضا شاه کبیر نسلهای آینده ایران در قرون متوالی و تمام تاریخ ایران از شاهنشاهی بزرگ ایران سیاستگزاری خواهند کرد (بموجب است) اما از کسانی که مقصدی شبکه های توزیع آن بوده اند و در طول این مدت هنوز موفق نشدند آنچنان که باید از آن استفاده بشود راضی نخواهند بود ولی در این نمایشات سالن های متعددی دیدیم زیرش بتون آمده رویش خیلی لو کس خیلی خوب گفتیم شما چکار میکنید گفتند ما یاد میدهم که آب از توی جوی وسطی چطور توی جوی پهلوانی برود این میله هایی را که میبینید

درست کردیم میگزاریم توی جوی اصلی که بعد آب وارد جوی فرعی شود گفتیم این لوله ها چقدر تمام میشود یک ارقامی دادند که نمده آن ارقام را که حساب کردم دیده که هر هند و نه بیست و هفت تومان تمام میشود (خننده نمایندگان) گفتیم که خوب اگر زارعین بخواهند این عمل را نکنند دیگر عملاً بازار تمام محصولات در ایران سست خواهد شد گفتند چون ما متخصصین این کار هستیم حقوق میگیریم باید خانه وزندگی داشته باشیم من همه اینها را قبول میکنم ولی متقابلاً این رقم را هم میخواهم مربوط بهمین مملکت است مربوط بهمین خرجهاست و مربوط به همین مأمورین است اداره دامپزشکی اداره کشاورزی اداره اصلاحات ارضی اداره ترویج اداره دفع آفات چند تا شد؟ شد پنج، شش تا تمام این ادارات در یک شهرستان اگر خواستید نشان میدهم جمعاً برای مجلس اداره خودشان صد و پنجاه تومان که از این ۱۵۰ تومان به حق صد تومان آن زیاد است یعنی یک اطاق کاهکی زوی یک دکانی است که در واقع بیست تومان حق اجاره اش هست در هشتم طوالتش اجاره میدهند ما یک مملکت هستیم این یک پول است یک خرج است باید یک نحو باشد اگر هم نحوه های مختلف باید داشته باشد باید متعادل و روی حساب باشد پس ملاحظه میفرمائید در نحوه خرج هر کس هر چه توانست بیشتر گرفت و احتیاجات مملکت مطرح نیست در این بودجه شاید بعضی تصور نکنند که عریض من صرفاً از جنبه خرده گیری است ولی برایتان مثالی میآورم که بدانید که بطور کلی دولت ها در تنظیم بودجه بهیچوجه به احتیاجات ملت توجه ندارند در چند سال قبل شاید سال قبل بود یا دو سال قبل بود در پشت همین تریبون کسانی که تشریف داشتند بخاطر دارند باستناد صورت مذاکرات مجلس من بودم که افتخار داشتم آن چیزی که همه شماها طالبش بودید و تمام ملت میخواست عنوانش را به خاک کپای همایونی غرض کردم و آن انقلاب اداری بود (آفرین) نتیجه چه شد؟ سمینار تشکیل دادند آخرین نتیجه اساسی این سمینار به این جمله رسید که باید یک بازرسی از طرف شاهنشاهی باشد چون او شاهنشاهی است که بخواست ملت توجه

دارد ولی قبلاً وقتی بدولت ها فشار آوردند که بیاید صرفه جویی کنید کجا را زدند؟ تنها جائی را که زدند در این مملکت همان بازرسی شاهنشاهی بود میدانید چرا؟ برای اینکه تمام سازمانها با حذفش موافق بودند زیرا اصولاً در تاریکی هر جرمی راحت تر انجام میگردد وقتی بازرسی شاهنشاهی بود دستگاههای دیگر نمیتوانستند هر کاری میخواهند بکنند بنا بر این همه موافق بودند که این دستگاه حذف شود اینجا اختلاف نظر ملت و دولت معلوم میشود (مسمودی البته این دولت نکرد) بنده راجع به شخص صحبت نمیکنم راجع به مملکت صحبت میکنم بر سر گردیم بر سر در آمد اصلی مملکتان یعنی نفت

ندم توفیق هایی که دولت در وصول قسمتی از حقوق ملت ایران تاکنون پیدا کرده سیاستگزارم ولی چند رقم لازم است که بعرض مجلسیان محترم برسانم و بدانیم که ما از این ذخایر چه حقی داریم و این مؤسسات تا چه اندازه حق ما را محترم میشمارند بنده چند رقم یاد میکنم منابع شناخته شده و ذخایر نفتی دنیا بدین ترتیب تقسیم میشود ۵۰ میلیارد تن در امریکا که دودرصد تمام منابع نفتی روی زمین است یک میلیارد تن در کانادا که ۲٪ تمام منابع روی زمین است ۳ میلیارد تن در افریقا که ۶٪ است ۴ میلیارد تن در روسیه که ۸۸٪ است و ۳۰ میلیارد تن در خاورمیانه که ۶٪ است یعنی چه؟ یعنی اگر انصافی باشد یعنی اگر خیر خواهی باشد یعنی اگر نیت واقعاً مبادلات صحیح و سالمی باشد به همین تناسب قاعدتاً باید استخراج بشود در صورتیکه میبینیم از کویت، ایران، عربستان سعودی که دو سوم تمام ذخایر دنیا را دارند چه میزان استخراج شده فقط در خود امریکا به تنهایی ۴۵۰ میلیون تن امسال استخراج شده و در ایران که میزان ذخایرمان نسبت به تمام امریکا ۱۰۰٪ هم بیشتر است تمام استخراج سالانه ۱۳۰ تا ۱۵۰ میلیون تن تازه مورد مذاکره است آخر چرا بسوی وام میرویم چرا حق خودمان را نباید وصول کنیم که آیا یک ایرانی ممکن است وجود داشته باشد که در مقابل این ارقام علاقمند به استیفای حقوق ملت در پشت سر شاهنشاهی باشد؟ ولی جناب آقای دکتر آموزگار کمیانی های نفت و عده و منتهی بر مانده داشته باشد این مطلب را امروز هر شاگرد دبیرستانی

میدانید که از بدو شروع استفاده و مصرف نفت در دنیا تا سال ۱۹۶۰ جمع مصرفی نفت بیک میلیارد تن بیشتر نمیرسید در سال ۱۹۶۵ به تنهایی یک میلیارد و نیم تن مصرف شد پس نسبت به این اضافه مصرف چرا بهمان تناسب از ایران استخراج از ایران نمیکنند بهر حال طبق برنامه‌ای که دو روز قبل تصویب شد طبق بودجه‌ای که مطرح است ما برای برنامه فعلی خودمان که از اول فروردین ماه شروع میکنیم بنظر شما در حدود هفت میلیارد و هفتاد و هفت میلیون دلار و بنظر بنده حداقل در حدود ۸ میلیارد دلار بیش بینی میکنم به ارزش احتیاج داریم نفت داریم مال ماست و نباید درست تقسیم بشود یک رقم دیگری که میگویم این مربوط به جرایم دو شب قبل بود به نسبت جمعیت سرزمینهای خاورمیانه هر کوییتی در حدود صد برابر یک ایرانی در مملکت خودش از حق واقعی نفت استفاده کرده.

مهندس قادر پناه - کوبت سیصد هزار نفر جمعیت دارد یعنی از آبادان بیشتر.

رامبد - اطلاع داشتم ولی بهمان نسبت وقتی دنیا بر نامه مشترک صلح مطرح میکند این عواملی است که در برنامه مشترک صلح باید مطرح بشود (صحیح است).
فولادوند - ایشان در مسیر گفتار جناب عالی مطالبی فرمودند.

مهندس معینی زند - این مطالبی که میفرمائید ما موافقیم (صحیح است).

رامبد - من اینجا وکیل ملت ایران هستم وکیل مدافع کوبت نیستم. اما در این استخراج تعجیل داریم، خیلی هم تعجیل داریم چون همانطوری که سابقه تاریخ کشف نفت نگاه کنیم از روزی که اولین بخاری نفتی بصورت سوخت گذاشته شده هنوز صد سال نمیگذرد از روزی که مصرف نفت بصورت موزون های احتراقی استعمال شد هنوز نیم قرن هم نمیگذرد پس با این تحول سریع از کجا معلوم است که تا ۵۰ سال دیگر مواد دیگری در دنیا پیدا نشود که جانشین نفت نشود ولی ارقامی که میدانیم خیره کننده است نفتی که در امر بکاهست تا دوازده سال دیگر اگر ذخایر نفت آنها استخراج شود تمام میشود ولی نفت خاورمیانه تا ۱۱۸ سال دیگر هنوز ذخیره دارد.

پس به چه مناسبت ما بیشتر استفاده نکنیم این مسائلی است که ما از دولت میخواهیم این مسائلی است که تمام افراد ملت ایران در یک جهت هستند افراد مجلس، کوجه مردم، حزب ایران نوین حزب پان ایرانیست، و هر حزب دیگر (صحیح است - احسن)

بودجه دفاعی:

هر کدام از آقایان بنسبت وسعت زندگی خودتان باید بیشتر مراقب حفاظت خانه خود باشد طبیعی است که هر ثروت فوق العاده احتیاج بحفاظت دارد هر چقدر منابع بزرگتری در کشور ما باشد باید وسائل دفاعی و امنیتی و تأمین و حفاظتش را بیشتر توجه کنیم از این جهت است که بلافاصله بعد از نفت من روی سختم بسا تیمسار ضعیف و امر دفاعی است ما ۳۷ میلیارد در بودجه برای امر دفاعی گذاشتیم شاهنشاه ایران طرفدار صلح است طبقه تحصیل کرده از زیاد شدن بودجه دفاعی دفاع نمیکنند ولی در همه جای دنیا عمل میکنند ملت ایران علاقه‌ای بحنگ ندارد سازمان ملل برای صلح بوجود آمده حملات و بکتور هوگو در آن جلساتی که برای اساس صلح اروپا تشکیل میشده هنوز حملات نطق زیبایی او در صفحات کتابها باقی است (یک نفر از نمایندگان - در کدام جلسات؟) شما می‌دهم تا بخوانید و مطلع بشوید ولی آیا این نیتها کافی است؟ آیا صلح بدون آماده بودن برای جنگ تأمین میشود نه تأمین نمیشود یک رژیم غذایی اسپارتنی است که میگوید سلاح مقدم بر نان بلکه اسلحه موجودیت و حیثیت و بقای ما را حفظ میکند ولی اگر ما وجود نداشته باشیم دیگر شکمی وجود ندارد تا نان بخواید (آفرین) آقای سپهبد ضعیفی رقم ۳۷ میلیارد برای بودجه دفاعی شما نسبتی را در حدود ۱۴ درصد بودجه کل مملکت را نشان میدهد و در مملکت ما با اشاره‌ای که به امر نفت کردم کم است ۳۷ میلیارد شما نسبت به رقم بودجه دولت رقم ۲۰ درصد را نشان میدهد قطعاً این از من تمام مجلات نظامی دنیا را میخوانید و میدانید معالک قوی دنیا هستند که امروز ۶۰ درصد بودجه کل آنها رقم مربوط به امر دفاعی آنها است برای اینکه ناه صحبت‌های سازمان ملل از پشت تریبونها مثل اینجا که شما دولتتان توجه نمیکنید در آنجا هم شنوندگان توجه نمیکنند واقعه مصر و اسرائیل نزدیکترین واقعه‌ای است که

خبر آدر نزدیکی ما اتفاق افتاد تا بدانیم باید خودمان مدافع خودمان باشیم (صحیح است - احسن) و اما کار دفاعی ما فقط وسائل مادی و تجهیزات و اسلحه خاتمه پیدا نمیکند در کار دفاعی ما با جسم و روح و معنای دفاع کننده سروکار داریم و بعد اسلحه را بدستش میدهم شما با ۳۷ میلیارد و بعد تصدیق همه نمایندگان هر چقدر بیشتر که لازم داشته باشید میدهم (صحیح است) تجهیزات را فراهم کردید سر با ایرانی قبل از کورش تا به امر و زوین پرستی شاهدستی و وظیفه شناسی خودش را نشان داده ولی بنا تمام این احوال ما اگر از امور اصلی غافل باشیم خودمان را گول زده‌ایم و این امور بسیار بسیار حساس و مهم است این امور آن چیزی است که چندی قبل در شبه جزیره سینا یک بار دیگر نشان داده شد که تجهیزات کافی برای دفاع کافی نیست روح لازم است اعتقاد لازم است علم لازم است رضایت از دولت لازم است و شکست مصر در ایران رضایت از شاهنشاه بعد کافی وجود دارد (صحیح است) زمینان تعلیمات علمی و عملی شما برای تهیه نیروی انسانی چون اطلاع ندارم صحبتی نمیکنم ولی هر چقدر عالی باشد باید بیشتر توجه بشود اما کار روحی آنها یک قسمتی از آن نیست شما است و یک قسمتی دیگر با این آقایان نمایندگانش است سربازی که سر باز خانه شما می‌آید باید از نحوه اجرای قوانین در مملکت خودش راضی باشد تا برای بقای آن دفاع کند باید بدولت خودش اطمینان و اعتقاد داشته باشد تا فرامین آنرا به جان و دل اجرا کند باید به دستگاه دولتی خودش اعتماد داشته باشد تا بدانند که در پشت سر او همه چیز درست میچرخد پس این عرایض بنده را صحبت کنید بدانید و به بقیه وزراء بگوئید بیانند و حرفها را گوش بکنند این صحبت سربازی است که باید برای شما جنگ بکنند و آنجا می‌گردد سربازی رفت ماهی بگیرد گرسنه بود بدون توجه به زندگی او با قلاب توی سرش زدند و برندان فرستادید و کار برای او تهیه نکردید و این روز جنگ برای شما سرباز خوبی نخواهد بود روزی که میگوئیم آقای وزیر منابع طبیعی بیائید ببینید که از این ماهی چه در می‌آورد و بر اساس اجرای این قانون چند نفر بیکار

میشوند از این درآمد بعوض دادن به زور خانه و مؤسسات نفر بجی شخصی چقدرش را صرف تأمین آن ماهی گیر میکنید جواش را ندارند بمن بدهند این به وزارت دفاع شما ارتباط پیدا میکند نحوه دریافت مالیاتهای وزارت دفاع شما ارتباط پیدا میکند نحوه دریافت مالیاتهای دولت به سربازی که در سر باز خانه‌های ایشان جمع میشود و ارتباط پیدا میکند نحوه توجه دولت به صحبتها که در مجلس میشود و گفته‌های ملت ایران است ارتباط پیدا میکند حالا من مرتباً بگویم و شما اشاره کنید به یکدیگر که بلند شویم و بیرون

کشاورزی:

و اما بعد از امر نفت و امر مهم دفاعی مسأله‌ای که تا چند سال قبل اساس زندگی ملت ایران بوده کشاورزی است آنچه که بفراش شاهنشاه اشتغال ۷۵ درصد ساکنین این مملکت را تا چندی قبل نشان میداد کشاورزی است و آنچه بنظر من دولت در این بودجه توجه کافی نکرد کشاورزی است و آنچه را که اجرای برنامه‌های بسیار سخت است و متأسفانه تا بلو و نمایش و عکسی ندارد کشاورزی است اصولاً کشاورزی از در جنبه مهم است یکی اساس تغذیه یک ملت یکی تهیه کننده مواد مصرفی صنایع و تهیه کننده مصرف کننده برای محصولات صنعتی این آن چیزی است که متأسفانه در این تقسیم بودجه درست توجه نشده در برنامه چهارم قرار است ۲۸ درصد میزان کشاورزی ما بالا برود در صحبتی هم که آقای دکتر کاظم زاده... شریف ندارند؟ (نمایندگان - در مجلس سنا هستند) آقای رئیس من واقعاً نمی‌پندم این طرز کار دولت را احتیاجی نبود که تنگ کلاغیر بودجه را بیاورند که یک پای دولت در سنا باشد و یک پای دیگر در مجلس طبق قانون باید ۶ ماه قبل می‌آوردند و نمی‌نشستند و حرفها را گوش میکردند بهر حال من مسئولیتیم گفتن است و شما اگر مسئولیتان را خواستید عمل بکنید و اگر نخواستید مسئول ملت و رهبر ملت خواهید بود در سال ۴۳ یک خشکسالی مختصر باعث شد که قریب ۱۰۰ میلیون دلار مائی که می‌روید فوژس میکنیم و از طرفی برای درآمد نفت اینطور با سختیها و مشکلات روبرو هستیم ۱۰۰ میلیون دلار هم دستی داریم چرا؟ برای اینکه آقای دکتر کاظم زاده دارد اینجا نشستند بودند و بحرهای امثال من گوش ندادند

که بموض شاهراه بروند سیلو سازند بله خیر دارم شما فوراً خودتان را حاضر میکنید که بگوئید (اشاره به آقای وزیر دارائی) سیلو میسازیم (دکتر آموزگار چنین فکری نداشتم) زهی تأسف ولی زمان عامی است که همیشه نمی شود جبران آنرا کرد این نقص ساختن سیلو نقص توجه نکردن به کشاورزی امری است که در برنامه دولت کاملاً مشهود است اصلاحات ارضی با تقسیم کردن زمین و دادن کاغذی که محدود است از راست به کجا و از چپ بکجا است در امر کشاورزی خاتمه پیدا نمیکند آن سرباز (اشاره به دکتر ولیان) در این راه با چه فداکاری جان میکند (صحیح است) ولی از شما میبرسم آقای وزیر اصلاحات ارضی چقدر شرکت تعاونی شما دارید اگر ارقام را قبول بکنید حتماً یک میلیون نفر از آن استفاده میکنند شما که در ارقامتان در راه بوهایان بما گفتید که ۳ میلیون نفر هستند که باید در این شرکت کنند شما برای شرکت دو میلیون نفر دیگر در بودجه امسال چقدر گذاشتید من شما میگویم کمتر از ۵۰ میلیون تومان و این شرم آور است مالک اگر خودش بد بود، بد اعمال خلافی که انجام میدادند بد، ولی این اصل را که نمیشود منکر شد که برای استفاده شخصی آن زارع را نگاه میداشت او که رفت شما هم که نمیخواهید عمل کنید پس باید چه کسی از این کشاورزی پشتیبانی کند بنده اینجا ارقامی برای مصرف گندم و برنج و شکر خودمان برای نمونه عرض میکنم عرض میکنم و بینید با ۵۰ میلیون تومانی که برای شرکتهای تعاونی روستائی در نظر گرفته شده تأمین میشود یا نمیشود ما امسال ۲۷ میلیون نفر جمعیت داریم روی حسابی که همه میدانید تا سال ۱۳۵۰ یعنی آخر همین برنامه ما که تمام نشده این جمعیت نزدیک به ۳۰ میلیون خواهد رسید این ارقامی است که دفاتر شما نشان میدهد و بنابراین در سال ۳۵۰ با توجه بر شداقتصادی که طبعاً اگر کسی پول در جیبش بود بیشتر چیز میخورد حد اقل به ۵ میلیون تن گندم شما احتیاج دارید برای تأمین این ۵ میلیون تن گندم که ۶۰ درصدش هم کشت دیمی است چه کرده اید آخر کار با همان باید ما هم بسک رابطه ای داشته باشد (دکتر صدر) اینها را نفرمائید که جلوی جمعیت را بیشتر میگیرند شما مطمئن باشید که

صحنهای بنده را در خارج منعکس نخواهند کرد همانطور که صحنهای دیروز آقای بزشکیور منتشر شدند است و در خارج منعکس نیست مصرف برنج مادر سال ۴۴، ۷۰۰ هزار تن بوده در سال ۵۰ با ۳۰ میلیون جمعیت ۲۰۰ هزار تن به این میزان مصرفی اضافه میشود آقای توسلی ومن که از کار برنجکاری اطلاع داریم در مملکت ما حد متوسط محصول یک هکتار ۲ الی ۳ تن برنج است برای ۲۰۰ هزار تن ۷۵ هزار هکتار برنجکاری جدید لازم دارد چه کرده اید؟ اضافه قیمت آب بها در سفید رود با خواجیدن آن دکلهای برقی که ۵۰ مهندس مشاور داشته با اعلامیه های وزارت آب و برق که کاری که قرار بود شما هم انجام بگیری ما در شش روز انجام دادیم خدا میداند اینها برنج و گندم نمیشود مطلبی که با صنعت بیشتر ارتباط پیدا میکند موضوع مصرف شکر است، شکر خودی شیرین است شروع این صنعت برای ملت ایران هم خیلی شیرین بود صاحبان صنعت شیرین هم استفاده های شیرین کردند نوش جانشان ولی ما از این مقدار واردات بی نیاز کردند مصرف شکر ما بحساب هر نفر در ماه ۲ کیلو این طبیعی است که در حدود ۷۰۰ هزار تن برای ۳۰ میلیون جمعیت احتیاج خواهیم داشت تا ۷۰۰ هزار تن ۱۵۰ هزار تن کسر داریم باید در فکر باشیم تا برسیم کسانیکه در کار نقد اطلاع دارند میدانند از چقدر فقط ۱۴ درصد شکر گرفته میشود پس نتیجتاً ما جمعاً ۵۰ میلیون تن چغندر کاری لازم داریم برای ۵۰ میلیون تن چغندر کاری چه کرده اید؟ شبکه های آب بجه نسبت در خوزستان دارد جلو میرود؟ تا چند سال دیگر این نیشکر تکافوی احتیاجات ایران را میکند؟ اینها مطالبی است که در هیئت دولت باید صحبت بشود نه حواهای که در مجلس برنامه را میگذرانیم جناب نخست وزیر تشریف فرما شدند معذرت میخواهم مطلبی را تکرار میکنم که تشریف نداشتند با آنچه شما در بودجه گذاشتید برای شرکتهای روستائی حساب کردم اگر برای هر نفر هم در حدود ۴۰۰ بانصد تومان در نظر بگیریم جمعاً در سال ۴۷ ما صد هزار نفر توانستیم بشه کنتهای روستائی اضافه کنیم مسئولیت و آینده این یک میلیون ۹۰۰ هزار نفر که از ۲ میلیون نفر بزرگ نشده در شرکتهای

تعاون روستائی باقی میماند با کجاست شما آن بودجه های مربوط به مؤسسات عام المنفعه بدون سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و شیر و خورشید سرخ که همه سیاست گزاران نگاه کنید ببینید که آن ۵ میلیارد چطوری خرج میشود ببینید که نسبت به تحقق یافتن امر اصلاحات ارضی چگونه توجه شده آنوقت عراض بنده را یک مقداری نباید میفرمائید اما مطلب دیگر آن کشاورز اگر بفرض اینکه در سیاه دانش هم علمی نیندوخته باشد از غریزه بشری که بی بهره نیست جناب سرتیپ پور اگر شما امسال فلاحتی کردید و روی دستتان ماند و کسی نخرد سال دیگر آن فلاحت را میکنید؟ نخیر نمیکند بنده باین بودجه شما افتخار بیشتری قائل میشدم که میامدید میگفتید برای پیشرفت کشاورزی برای خرید مازاد محصول گندم و برای ترغیب کشت گندم این بودجه را گذاشته اند که بلاعوض خرج کنند بله حالا شنیده ام بهراق صادر میکنند جناب نخست وزیر از حد صحبت بیشتر نیست از این محصولات اصلی که بگذریم رقم قابل توجهی که در واردات ما نشان داده میشود چای است البته نه به اهمیت تر است هتای، نفتی و صاحبان صنایع نفتی وای در حد خودشان تجار وارد کننده چای هم کم قدرت در این مملکت نیستند گاهی اوقات نعلهای وایو هم میزنند بنده برای اینکه سعی کنم زودتر تمام کنم راجع به چای آقای فضل سمعی مطلب مفصلی تهیه کرده اند برای آنکه وقت گرفته نشود بعداً وقتیکه بودجه تمام شد بیان خواهند کرد ملاحظه فرمائید ما خیلی با شما همکاری میکنیم و اما یک موضوع دیگر باز راجع به کشاورزی است بنده از هر چمن گلی میچینم ورد میخورم تا ببیند چقدر بکشاورزی توجه شده است میزان واردات دانه های روغنی و روغن نباتی که فرمودند زیاد به آن علاقهای ندارید چه میزان بوده جناب نخست وزیر در حدود ۲۰۰ میلیون تومان یعنی چهار برابر بودجه ای که شما برای کارهای تعاون روستائی در نظر گرفته اید بلی خاطر هست که در مالیات بر درآمد یک ماده بود که با مالیات نگرقتن از دانه روغنی تشویق بکنند ولی کافی نیست شما که جنبه بجه نان علاقه دارید اگر شب بخانه بر نکشت فقط باظهار

نگرانی و تشویش اکتفا نمیکنید؟ نه، صد جا مراجعه میکنید و سراغ بجهتان را میگیرید تا بجه را پیدا بکنید شما اگر به انجام این برنامه ها علاقه داشته باشید اگر از یک راه نتیجه نگرقتن باید از صد راه دیگر بروید تا بالاخره نتیجه بگیرید ما نه تنها ۲۰۰ میلیون تومان بابت روغن نباتی میدهم آقای دکتر شفیع امین بلکه ۵۰ میلیون هم برای واردات لبنیات میدهم در صورتیکه اگر این دانه های روغنی در ایران باشد نه آن ۲۰۰ میلیون را میدهم و نه این ۵۰ میلیون را مادنگر احتیاج نداریم که گوشت از تر کیه وارد کنیم دو سال قبل در بیلاق طالش بود همه دامداران و چوپانان بعن مراجعه کردند، چه میخواستند آقای خواجه نوری؟ نمیخواستند مرغی که ملی شده به آنها برگردد ولی میخواستند تفنگ سر برشان که در مقابل گریک از کوسفند خودشان دفاع میکنند با تشریفات ساده تر و وقت کمتری به آنها برگردد و من از مسئول گوشت این مملکت سؤال میکنم آیا از تشریفات تفنگ سر بر بدست چوپانها اطلاع دارید؟ آیا در آن کوه و دره ای که صدای چوپان بگوش فلک نمیرسد من و شما میرویم کوسفند های او را از جنگال گریک نجات بدهیم؟ همین مسائل کوچک کوچک جمع میشود و کوسفند از بلغاز و تر کیه با ایران میآید جناب آقای نخیت وزیر تصور میکنم آن روز جناب عالی وزیر دارائی بودید که وقتی من عنوان کردم ما سد سازی را از خارجیان یاد بگیریم ممنون هستیم مشاورین و مهندسی خارجی را هم میآوریم سد میسازیم پولشان را میدهم لافل نظر اداره سدرام از خار جیها یاد بگیریم من از شما استدعا میکنم میزان آبی که بین کشاورزان تقسیم میشود با رقم بودجه ای که برای پرسنل در نگاهداری سدها مصرف میشود دستور فرمائید از همه دنیا جمع بکنند مال مملکت خودمان را هم ببینید و بدانید در یک سفید رود که با چند صد هزار تومان کار آبیاری خاتمه پیدا میکرد به چند میلیون این حقوقها رسیده است این حقوقها اگر صرفه جوئی بشود کار شرکتهای تعاونی شما فلج نمیشود اما برای اینکه در وقت صرفه جوئی شود و برای این مسائل مثل شرکتهای تعاونی تجدید مطلب نکنم از هم اکنون توجه بسیار شایان تجلیل شاهنشاه را بشر کنتهای زراعی بزرگ

ستایش میکنم یقین دارم دولت شمام در این راه برنامه‌هایی دارد ولی این برنامه مثل توزیع آب‌سدها نشود جناب عالی باغ دارید جناب آقای نخست وزیر؟ (نخست وزیر - متأسفانه خیر) اولی من کمی کار کشاورزی هم میکنم شما هیچ از طرز توزیع کود و بذر و نهال در دستگاه‌های دولتی اطلاعی دارید؟ توجه بیشتری برای شناسائی آفات نباتی ایران لازم است خارج از ساختمان و اعلان شما میدانید که از روز اول تأسیسات دولتی ایران که در کرج برای کار کشاورزی فراهم شده تا به امروز تنها درختی که در کرج میکاشتمند یعنی تبریزی هنوز سم و آفتش را دستگاه‌های شما نمیشناسند به‌مطور شما هم آقای جاماسبی میرسیم ولی این پشت گوش‌ماشهر بزرگ صنعتی است ۱۵ میلیون تومان من در برنامه شما در کار کود کشاورزی دیدم این کود شیمیائی در آن حدی که من میدانم ۳۰۰ هزار تن مورد احتیاج مملکت ما و مصرف مملکت ما است که در سال قبل با وجود تشکیلات پتروشیمی ۱۲۴ هزار تن بیشتر مصرف نشده بود و میدانید که اثرات کود نسبت با زیاد محصول چیست برلی این ۱۵ میلیون تومان شمار برای چیست؟ من از آقای وزیر کشاورزی ممنون میشوم اگر بمن بفرمایند با این ۱۵ میلیون چکار میخواهند بکنند میخواهند حقوق بدهند میخواهند کود بخرند میخواهند کود بلاعوض توزیع کنند این ۱۵ میلیون تومان بهیچکدام از این مسائل چسبندگی پیدا نمیکند ولی قبل از اینکه مجبور بشوید برای مزید اطلاع جناب وزیر کشاورزی نکته دیگری باید عرض کنم باید نوع محصول گندم که آفت دارد عوض بشود گندم مرغوب بدهند ولی امیدوارم شما دستگاه توزیع بذر هنوز تمام پیدا نکرده‌اید که از این پیشنهاد صرف نظر کنید مسأله دیگری که مثل نخریدن گندم یک کار بی اساس در مملکت ما نشود موضوع بیمه کشاورزی است بیمه کشاورزی یعنی چه؟ کارمند شما وقتی مریض میشود و کار نمیتواند بکند مگر حقوق به او نمیدهید؟ صنعتگر شما وقتی بیکار پیش آمدی میکند و از یک عضو ناقص میشود مگر قانونی برای تأمین او ندارید پس این چطور میشود دستگاهی که از تراق و تغذیه ما را تأمین میکند برای آنکه اگر خشک‌سالی پیش آید

با محصول دچار آفتی بشود برای همیشه زندگی کشاورز ساقط نشود باید دستگاه بیمه کشاورزی داشته باشیم بنده چون در این قسمت اطلاعات مختصری دارم بعد خدمت آقای وزیر کشاورزی خواهم گفت جناب آقای دکتر مجیدی مراتب جزو دستگاه شما است با جزو دستگاه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی؟ (دکتر ولیان - هیچکدام جزو وزارت منابع طبیعی است!) بعد از صحبت جنمگل و شیلات دیگر من از مراتب احترامز میکنم که صحبتی بشود موجدانی پیش آمده که در جنمگل دام‌ها چرا نکنند متوجه شده‌اند که این نهال‌های کوچک را میخورند و قانونی هم گذرانند سر باز هم گذاشتند سر نیزه هم گذاشتند هم‌اکنون را ناپید میکنم ولی آن راه و آن چاره‌ای که برای این دام‌داران دارید و باو نشان دادند حالا که جنمگل تروود در دنیائی که می‌بندند چگونه تعلیف میکنند آن را کی باید انجام بدهد آخر از یک راه که جلو را میگیرید از یک راه دیگر طرز عمل را نشان بدهید (بکنفر از نمایندگان مروجین کشاورزی یاد میدهند) بهتر است سراغ مروجین بروید ببینید که زیباترین باغها در هر محل متعلق به مروج است که با سر مآبه دولت و قدرت دولت برای ملک شخصی خودشان تهیه کردند و آن مروج وقتی که در باغ شخصی خودش هست طرز تعلیف را نشان نمیدهد بنده اگر ناچارم که بمناسبتی در امر کشاورزی هم سهم خودم بکنم دیگر با هر جنمگل اشاره کنم خیلی معذرت میخواهم ولی بمناسبت اهمیت جنمگل و اینکه اصولاً حوزه انتخابیه من تمام جنمگلیست یک اطلاعاتی هم برای سایر دوستان یاد آور میشوم که میگویند ما ۱۸ میلیون هکتار جنمگل داریم ولی چهار میلیون تومان از این عاید صندوق دولت میشود با وجود داشتن هجده میلیون هکتار جنمگل در سال قبل در حدود صد هزار تن چوب وارد کردید میگویند ما چوب خشک نمیتوانیم تهیه کنیم ولی من هم جواب دارم چند سال است مشغول این کار هستم چند میلیارد در این برنامه‌ها خرج کردید از صنایع صحبت میکنیم چند روز قبل نه چند ماه قبل در جنوب بودیم و کارخانه ذوب آهن بسیار کوچکی را دیدم آنجا که فقط آهن نیشی را تهیه میکنند بعد هم بر سیدیم میله‌ها را از کجا می‌آورید گفتند از خارج می‌آوریم حالا اگر آقای

عالی بودند این را جواب بمن میفرمودند چوب بنه بسیار کم به کش که تمام این صنایع نهادهای دولتی مشغولند و روکش چوب دوست دارند در اطفاشان باشد تخته فشرده و حتی کار جمعه سازی، کاغذ سازی اینها تمام آنچه است که در آن هجده میلیون هکتار مسواد اولیاتی هست چه نوحی کردید بمن جواب بدهید میگویند بعد از اینکه می‌بازد از نفت گرفتیم و برای ورود همین اجناس دادیم حالا داریم در هفت تپه کارخانه کاغذسازی می‌سازیم میزان واردات کاغذ ما چقدر است؟ محصول این کارخانه چقدر است سازندگان این کارخانه چه کسانی هستند، سرمایه این کارخانه از کجا است من شما میگویم اجازه بفرمایید وقتی که بکار صنعت رسیدیم در آنجا خدمتتان عرض خواهم کرد که موضوع تأسیس کارخانه کاغذسازی با چه ظرفیت با چه کیفیت است و اما برای رفع خستگی بنده شرح شیرینی که آقای فرهادپور نوشته‌اند میخوانم وزیر محترم منابع طبیعی با استفاده از امکانات قانونی و صرف هزینه زیاد برای شهر تهران کمربند سبز از درخت کاج ایجاد میکند که در جای خود کار بسیار مفید و صحیح است چون زندگی صنعتی احتیاج به ریه تنفسی دارد ولی با کمال تأسف در شهر فزونی که تنها شهری است در جنوب جبهال البرز گسده در طول فزون دست خود مردم کمربند سبز جواهر نشان ایجاد شده و بیش از ده هزار نفر از شش هزار هکتار باغات پسته و بادام و انگور اطراف شهر استفاده میکنند هیچ وزیری نیست که خود را مسئول جلوگیری از خشک شدن این باغات ذی قیمت بداند باشد که اگر بموقع اقدام نشود دیگر نوشدارو بعد از مرگ سهراب خواهد بود قطعاً فکر میکنید محصول پسته ما اکثر در کرمان است ولی باید بگویم که آنجا هم بهتر از اینجا نیست

صنعت:

روزی نخست وزیری در پشت این تریبون مطلبی عنوان کرد که صحیح نبود ولی بهر حال گفت که ما یک لواهنک را هم تقویت می‌سازیم (مهندس عنتر - اشتباه بزرگی کرد) عقیده ما نشان بود اما شکر خدا از بزرگت وجود شاهنشاه و پیشرفتهای مملکت امر و زار قومی که در این بودجه

نشان داده میشود دلیل رشد صنعتی ما است و ما در این رشته بسیار سر بلند و خوشوقت هستیم در آمد ملی ما در سال ۱۳۴۰ و در سال ۱۳۴۵ این ارقام را نشان میدهد که در سال ۱۳۴۰ چهل درصد کشاورزی بوده ده درصد صنایع بدون صنعت نفت و در سال ۴۵ بیست و سه درصد کشاورزی بوده و سیزده درصد و با سیزده و سه دهم در صد صنعت و همین پیشرفت شایان نهایت تجلیل است ولی ما هنوز صنعتی نشدیم زیرا کسانی که با این امور بیشتر تماس دارند معتقدند در ممالکی که درآمد سرانه آنها از پنجاه دلار تا ۲۰۰ دلار است صنعتی نیستند از ۲۰۰ دلار تا ۶۰۰ دلار در زاده صنعتی شدن هستند پس ما باید صنعتی شدن خودمان بصورت کمال مطلوب نگاه نکنیم تازه این شروع راه است و برای این شروع راه مطالبی هست وقتی رسیدیم به ۶۰۰ الی ۱۵۰۰ دلار آنروز میتوانیم بگوئیم صنعتی شده‌ایم در مورد صنعت جناب آقای نخست وزیر طرفدار تکنولوژی جدید هستند همه این اصل را قبول داریم برای اینکه محصولات صنعتی ما بتواند در بازارهای دنیا رقابت بکند باید از اصل خود کار کردن دستگاهها استفاده کنیم ولی ماقبل از اینکه بفکر صادرات باشیم و فکر بکنیم بخرچال ایرانی میتواند با بخرچال امریکائی در بازار دنیا رقابت بکند بمواردات این فکر مقدس باید فکر محصولات مصرفی و مورد نیاز داخلی بحدلشباع بشویم این برای آنستکه وقتی محصولات داخلی مطرح بود موضوع خودکار شدن ماشینها تنها مطرح نیست و موضوع اشتغال بکار هم در سطح پیشرفت صنایع مورد نظر باید باشد و این مطلب بنظر من آنچنانکه باید مورد نظر دولت باشد نیست چرا؟ برای اینکه دولت حامی صنایع نیست دولت رقیب صنایع است دولت بعوض ارشاد و حمایت و کمک و نظارت در بخش خصوصی برای صنایع سبک و متوسط هر جایی که دیدد زیدی سه شاهی در آورده پیرید روی دستش بعنوان اینکه چرا این سه شاهی را من تکبیرم دکانی بالای دکه او درست کرد و من نمیخواهم وارد مسائل خصوصی بشوم ولی شما بهتر است با امتحان نکنید هر روزی که دولت اعلانی کرد در روزنامه که من مطالعه کرده‌ام در فلان منطقه فلان صنعت با این شرایط نافع خواهد بود و این کمک

روا بکسانی که پیشقدم بشوند میکنم آنوقت این حرف من صحیح نیست ولی حالا شما از دولت بپرسید چرا شما در فلان جا کارخانه سیمان گذاشتید میگویند چون کسی دیگر حاضر نشد اما من و شما که از اصل پرونده اطلاع نداریم که کس دیگر حاضر شد یا نشد همچنانکه در مورد تمام کارخانجات میگویند (بکنفر از نمایندگان - بله کارخانه قند باسوج و مسمنی) دولت این کارخانه را گذاشته قطعاً يك اشکالاتی بوده خیلی هم خوب بوده بنده حرفی ندارم ولی بروید مشهد در اطراف مشهد چند کارخانه قند هست خرج و دخل محصول و سرمایه گذاری کارخانجات دولتی و کارخانجات بخش خصوصی را مقایسه کنید ببینید که ملت پول چی را میدهد پول این را میدهد که دولت حاضر نیست قبول بکند که کارخانه دار و بازرگان خوبی نخواهد بود این حرفها را میزنیم آقایان هم گوش میدهند و همین حالا که بر گشتند آقای مهندس ستوده اگر خبر داده شوند که مفتولی که در فلان جا میسازند صد دینار برای صاحبش نفع میکند خیال میکنند که خدمت میکند متصدی مربوطه را میخواهد و میگوید يك طرحی تهیه کنید که چرا خود دولت این استفاده را نکنند خود دولت چرا کارخانه نگذارد که استفاده بکند بهر حال ما نزدیک به هفت میلیارد تومان با نزدیک بیک میلیارد دلار واردات داشتیم آنجائیکه بنده عرض میکنم قبل از اینکه بخواهید بخرچال ایرانی را در پاکستان بفروشیم که کار خوبی هم هست باید رقم برقم بدانیم که آن دلار، را که میتوانیم از این يك میلیارد دلار واردات جلو گیری کنیم و محصولات مورد نیاز داخلی را تهیه کنیم آن کدام است البته تا این حد اطلاع دارم که قسمتی از این واردات همان کارخانجات است و کالاهای سرمایه‌ای و لژی تمام واردات ما کالای سرمایه‌ای نیست مقدار قابل توجهی هم کالاهای مصرفی است از جمله همان گوشت است همان گندم است همان شکر است و همان روغن نباتی است و صدها نظیر این جناب آقای نخست وزیر نکته قابل توجهی است در مورد سرمایه گذاریهای خارجی البته جلب سرمایه گذاری خارجی مورد تأیید مجلس شورای ملی است و بسیار کار خوبی است و ام راهم تاحدی که بتوانیم بگیریم بهتر است

ولی يك حسابی در این جاییش میآید بنده دوسه رقم از این بابت برای شما میخوانم شما در امر پتروشیمی برای کود شیمیائی و سایر مصنوعات و محصولات سه دستگاه جدید در خوزستان دایر کردید بسیار خوب است امیدوارم بیش از مصرف داخلی تهیه کنید و صادر کننده کود شیمیائی هم که مورد احتیاج دنیا است باشید ولی این ارقام هم يك حرفهائی میزنند مادر یکی از این کارخانجات قریب هزار تن آمونیاك تهیه میکنیم يك قسمتی از این آمونیاك تبدیل به اوره میشود که قیمتش در حدود تنی ۹۰ دلار است و قسمتی هم خود آمونیاك را صادر میکنیم که در حدود ۵۰ دلار قیمت دارد یعنی اگر تمام آمونیاك خودمان را تبدیل به اوره میکردیم برای هر تن چهل دلار بیشتر میگردیم اما خرج تبدیل آمونیاك به اوره بیش از ۱۵ دلار نیست پس سرمایه گذار خارجی بعوض اینکه ۲۵ دلار پولش را در مملکت شما بگذارد این را میبرد در مملکت خودش مدد میکند البته فرار داد يك شرایطی دارد بنده هم نیتم این نیست که شغل بر گردید و این کار اساسی پتروشیمی را که شروع کرده‌اید باین سبب متوقف کنید ولی تذکره برای اینست که در سایر امور صرفاً گول سرمایه گذاری خارجی را بی چون و چرا نباید خورد و باید دانست چه میکنند چه میدهند و چه میبرد و حتی بنده اینجا گفتم که دولت رقیب صنایع است بگمده از دوستان تعجب کردند ولی چند نمونه برای شما میگویم ما چند جور کارخانه در ایران داریم قند، سیمان، نساجی هم در بخش خصوصی هست و هم در بخش دولتی من خواهش میکنم کسانی که علاقمند هستند بدانند و تحقیق کنند که علت گرانی قیمت سیمان در مملکت ما چی است من شما میگویم چون کارخانه سیمان دولتی سیمان را گران تهیه میکند مجبور میکند که میلیونها تومان بخش خصوصی بیشتر از مردم بگیرد برای اینکه محصول کارخانه دولتی بفروش برود روغن نباتی را مثال میزنیم يك روغن نباتی دولت میسازد يك روغن نباتی هم بخش خصوصی میسازد روغن نباتی دولت قیمتش گرانتر است (دکتر آموزگار برای اینکه سالمتر است) در هر حال دو مطلب بیشتر نیست بسا همچنانکه تهیه کنندگان دولت میفرمایند

جنش مرغوبتر است و با بنجهت قیمتش گرانتر است که هر دو بی توجهی دولت است و آن این است که اگر جنس آن بهتر است معلوم میشود بخش خصوصی جنس خود بخورد مردم میدهد مسئول آن کی است اگر خیر آنچه را که بخش خصوصی میسازد بهمان خوبی بخش دولتی است پس چرا بخش دولتی گرانتر میدهد این مسأله است که خوشوقتیم با خوشحالی سروران عزیز بواجب میشود دولتی بهداشت همانطوری که آقای سعیدوزیری فرمودند حدی بگیرد (یکی از نمایندگان هم مسلک عزیز) هم مسلک سابق، و اما ایرادات من نسبت به دستگاههای کارخانجات دولتی بهیچوجه متوجه متصدیان آن برای اینکه با يك نگاهی بگردانند کان بخش خصوصی ملاحظه میفرمائید که اکثر گردانندگان بخش خصوصی همان کارمندان بازنشسته و متصدیان و متخصصان سابق دولتی هستند پس علت چی است علت يك چیز است علت آن است که جناب آقای خواجه نوری میفرمایند انفسر محیط یعنی در دستگاه دولتی احساس مسئولیت نیست که جنس ارزانتر بیرون بیاید در دستگاه دولتی چه شما زبان بدهید چه نفع بدهید حقوق و پاداش و اتومبیل با هم دارد مالیات را هم که خودشان نمیدهند و با اجراء بیرونی نیستند و آن نظریات که آقای دکتر آموزگار متقد است که بک مؤدی را باید در آورد در دستگاه دولتی نیست اما متصدی در دستگاه بخش خصوصی میدانند آخر ماه اگر ضرر نشان داد عذرش را میخواهند و برای اینکه ضرر بخشهای دولتی و وابسته بدولت نشان داده شود بیلان را نزد شما نمایندگان مردم نمیآورند بیلان مؤسسات وابسته بدولت را نمیآورند چرا برای اینکه در ظرفهای در بسته پاداش تقسیم میشود بیآورند تا اما خدمتگزاران را بهتر بشناسیم بیآورند تا ما بدانیم چقدر سرمایه دادید چقدر بهره بردید و چقدر کار از مردم گرفتید جناب آقای نخست وزیر يك دولتی که در رأسش مردوارسته‌ای مثل شما است او بایست پشت تریبون بگوید از امروز بیرون برای آنکه نمایندگان از گردش کار مطلع بشوند بیلان مؤسسات وابسته بدولت اعم از آنکه بصورت بلزرگانی اداره میشود یا بصورت دیگر

میآوریم بمجلس صحبت مصرف کاغذ بود ۸۰ هزار تن واردات ما نشان میدهد که ۸۰ هزار تن کاغذ وارد کرده ایم کارخانه‌ای گذاشته‌اید که اگر بعدا کار کرد و توفیق پیدا کند به ۶۰ هزار تن میرسد ولی يك چیز را در نظر نگرفتید و آن سیاه دانش این مملکت است که مصرف کاغذ این مملکت را بالا میبرد کسیکه مینشیند و برنامه کار بودجه مملکت را میریزد باید از جلوی بینی و عینک و درب اطاق خودش چهار قدم دورتر راهم نگاه بکند که مصرف کاغذ ما تا ۱۹۷۰ بطور قطع به ۱۰۰ هزار تن خواهد رسید و باز هم ما باید ارزی را که میگیریم برای خرید چهل هزار تن کاغذ بدهیم (دکتر صدر - اگر جلوی افزایش جمعیت گرفته نشود) هر چه بگوئید صحبت شما از بیرون منعکس نمیکند.

نایب رئیس - آقای رامبد چون وقت جلسه تمام شده برای اینکه قطع کلام شما نشده باشد اجازه بدهید برای وقت اضافی رأی بگیریم خواهش میکنم خانمها و آقایانیکه موافق ادامه جلسه هستند قیام بفرمایند (اکثر برخواستند) تصویب شد. ادامه بفرمائید.

رامبد - از عموم نمایندگان محترم استعفا میکنم نهایت نهایت سیاست‌گذاری بنده را قبول بفرمائید که با رأی خود بنده مجال دادید که صحبت ادامه یابد و خیلی معذرت میخواهم که اینقدر تصدیع میدهم و فریاد میکنم که چرا بعضی ها احساس مسئولیت نمیکند (معهودی - همه احساس مسئولیت میکنند) لافل اجازه بدهید مادر این مسئولیتی که داریم بوظیفه خود عمل کنیم (آفرین) جناب آقای نخست وزیر ضمن کمکهای شما در امر صنایع کار بسیار نیک با نك توسعه صنعتی است من تأیید میکنم اما بگذارید که نمایندگان هم يك اطلاعی از این کار داشته باشند میدانیم ۴۰ میلیون تومان تمام سرمایه است ۲۴ میلیون تومان سهامداران ایران گذاشته‌اند ۱۱ میلیون تومان سهامداران خارجی گذاشتند ۶۰ میلیون تومان هم دولت بدون بهره‌به اینها داده ۱۴۰ میلیون تومان هم از وام هائیکه بمناسبت موضوع پشتوانه دولت بدیگران داده به اینها انتقال داده که سه صد دستمزد میگیرند که خودشان وصول

کند البته تا چند سال با تمام این تفاسیل بعثت آن ۱۱ میلیون تومان خارجها رئیسش خارجی بود از آن وقتیکه رئیسش ایرانی شده کارها برآب بهتر میچرخد و اما علاوه بر کمکهای شده آن ۶۰ میلیون تومان وام بی بهره و بمناسبت ۱۴۰ میلیون تومان ۳ درصد وصولی حق الزحمه چرا هر صنعتی که بخواهد از آن استفاده کنید باید از طریق این بانک انجام بشود خوب کارهای خوبی ممکن است کرده باشند ولی وقتیکه من يك چنین اطلاعاتی را میدانم و زیاد میاید که بزای وصول ۲۵ تومان بهره وام بانک کشاورزی زارع را از وسط مزرعه بیرون میکنند نمیتوانیم بگوئیم دولت آن چنان که باید همه جا بکسان عمل میکنند عیبی ندارد بر گردیم به بیستم این صنایع در کجا تشکیل میشود و این تهران بزرگ است کجا میخواهد سربزرگتر از بدنی برای مملکت ایران باشد میگوئیم که تشویق میکنیم کارخانجات به بیرون بروند چقدر توفیق پیدا کردید مابك نظری از این طرف بکرج و از این طرف بطرف آبعلی بکنیم و تمرکز این کارخانجات را در تهران به بیستم روی آوردن کارگران را به این شهر پیش بینی کنیم این عبور و مرور داخل شهر و آن صف اتوبوسها و آن عدم توانائی دولت را در تأمین وسایل عبور و مرور در نظر بگیریم به بیستم آیا تشویقی که منتج به نتیجه بشود انجام شده و آیا لازم است این صنایع بین نقاط مختلف مملکت تقسیم بشود اما چرا نمیشود این يك نکته است این مسائل مثل زنجیر همه بهم بستگی دارد لایحه کدام از صاحبان صنایع که بپرسند چرا شما تعمیر وید شما میگویند اگر ما برویم خرج دستگاه اداره کنندگان باید دو برابر بشود بسبب اینکه همه چیز در تهران تصمیم گرفته میشود همه کارها در تهران متمرکز است ما باید يك مدیر در محل داشته باشیم يك مدیر در تهران داشته باشیم (مهندس عطائی - اینطور نیست) (دکتر اسفندیاری - چه از مینظور است) (مهندس عطائی - تمام شهرستانها اختیار دارند و اجازه تأسیس میدهند) چون جناب آقای مهندس به اصل مطلب پی نبردند اجازه میخواهم عرض کنم تیر من این نبود که نمیگذارند در شهرستانها

کارخانه ایجاد شود نیم این بود که سیستم اداری دولتی نه شرکتهای خواهان تمرکز تمام اختیارات در تهران است و تا موقعیکه راجع به کوچکترین کاری که لازم است باید با دولت تماس پیدا کنند منتظر جواب تهران باشند ششماه طول میکشد کارخانه نمیتواند بخواند بمناسبت خود موضوع کارخانجات و طبعاً امر کارگرمین استعدا دارم که جناب نخست وزیر بیلان این مؤسسه بسیار مفید مملکتی یعنی بیمه های اجتماعی را بیاورند و بنمایندگان کارگر در مجلس نه در اطاق وزیر کار اعلام بفرمایند جمع بولی که در این مدت گرفته اند چیست و جمع خرجی هم که کرده اند چه میزان است و باز نشستی که بر عهده آنها قبول شده چقدر است.

حق شناس - خواهش میکنم برای مادلوزی نفرمائید ما رهبری داریم در این مملکت که شخص اول مملکت است.

عباس میرزائی - بیلان ضمیمه بودجه است فردا بیلان رامیآورم.

رامبد - حق شناسی صفت بارزی است که من ستایش میکنم.

بمناسبت ۹۷ میلیون تومان بودجه وزارت خارجه که شاید هم به تناسب وظیفه محوله به این وزارتخانه پس از جنگ دوم جهانی کم هم باشد بمناسبت صحبت از صنایع و محصولات کشاورزی من از دولت تقاضا دارم که بمعایبی که نسبت بدستگاههای اقتصادی وابسته بدولت در خارج مملکت است توجه بیشتری بشود دوستی بمن گفت بهتر است دولت بودجه سازمانهای نمایندگان اقتصادی مربوط وزارت خارجه اسرائیل را ملاحظه کند و چون کلیهها در امر تجارت استعداد ذاتی دارند ببینید آنها با آن بودجه چه فعالیتی برای فروش کالاهای خودشان بخرج میدهند آن مثال معروف که اقتصادمادرسیاست است البته دستگیرهها وزارت خارجه ما کار اساسی اش سیاست است ولی امر اقتصاد در این سازمان و وابسته های اقتصادی سفارتخانه باید با علاقه و دلبوژی و مسئولیت بیشتری تعقیب شود (دکتر صدر - ولی از نظر ما اقتصاد مسا در سیاست نیست)

ن سیاست است که مادر اقتصاد است.

آموزش و پرورش :

بنده ضمن تعریف و تجلیل مجدد نسبت بسپاه دانش جمع وزارت آموزش و پرورش چند کلمه ای عرض میکنم نمیدانم گفتند در برنامه سوم بازای ۶۰۰ هزار نفر يك میلیون ۲۰۰ هزار نفر دانش آموز رسیدیم آقای نخست وزیر بمسأله بنده فرمودند که در برنامه چهارم ۶۰ هزار دانشگهی خواهیم پذیرفت بنده یاد آور میشوم که الان مشغول کم کردن فاصله و جبران عقب ماندگیهای گذشته هستیم يك نظری بمعارف کشورهای دیگر بیا بکنیم در روسیه شوروی با داشتن قریب ۲۰۰ میلیون جمعیت چهار میلیون دانشگهی دارد و در آمریکا با داشتن دویست و چند میلیون کمتر ۵/۵ میلیون نفر دانشگهی دارند و بهمان نسبت اگر بخواهیم در ایران به ۵۰۰ هزار نفر دانشگهی داشته باشیم یعنی اگر ما بخواهیم این فاصله را حفظ بکنیم باید پانصد هزار نفر دانشگهی داشته باشیم ولی آمریکا با وجود ۵/۵ میلیون نیروی انسانی ما نقصان داریم و باید در ضوابط اقتصادی توجه بکنیم ما شما که افتخار دولتان این است که برگزیدگان تحصیل کردگان مملکت را در اینجا جمع کردهاید باید بدانید که به عام و عالم بی توجهی میکنید و نامه برای شما میخوانم يك دکتر قلب ایرانی بوزارت آموزش و پرورش مینویسد که من يك دکتر ایرانی هستم و با خرج خود تحصیل کرده ام میخواهم بآیران بیایم جواب نمیدهند بدانشگاه مینویسد اساتید جا گرفته دانشگاه میترسند بیاید رقیب ما بشود جواب نمیدهند بدانشگاه مشهد مینویسد جواب نمیدهند بالاخره میرود در بیمارستان آمریکائی شهید کار میکند در تمام این مدت باز مکانی میکند بنوشته نامه ای که در رد تقاضای شاگردها و باصلاح قیابان مغزها نوشته اند میفرستند که طبق مقررات عمل کنند جناب آقای دکتر آموز کار قطعاً این روزها فر آمریکا کئی بخواید نظر دنیا را نسبت بمملکت خودش باند این سؤال را با شما هم در میان گذاشته چون اینقدر نل کرده اند که حالا متوجه شده اند که عملشان درد دنیا

انعکاس بدی پیدا کرده میگویند دنیا نسبت به اینکما را متهم میکنند که ما مغزها را جمع میکنیم دردنیائی که ۵ میلیون ونیم شاگرد دانشگهی دارد مغزها را جمع میکند و ما مغزهای ایرانی را این شکلی با آن عمل میکنیم اجازه بدهید بخوانم این نامه يك طبیب دیگری است طبیب قلب است «درمانگاه ما که پارسال وسیله يك دامپزشك زیر نظر رئیس بهداری میچرخیده الان دارای چهار متخصص است باور کن اگر امکان کار مثبت بود ما میدانستم کوچکترین خدمتی میکنم ناراحت نمیشوم از صبح ساعت هفت تا دو نیم بعد از ظهر در يك اطاق نشستم این مرضی سرپائی را (دکتر قلب است) که این رامینویسد) باده قلم دوادوا میکنیم» جناب آقای دکتر شاهقلی آیا این است استفاده از جوانان و متخصصین خارج رفته «یقین دارم روح شخص اول مملکت از این استقبالی که از ما کردند خبر ندارد و به اسم خدمت شاه درست خلاف منویات ایشان با ما عمل میکنند» يك کاغذ دیگری است آقای وزیر آموزش و پرورش سرکار خانم فرخ رویار معاون وزارت آموزش و پرورش خود متعصب حزبی مینویسد به آقای دکتر هما یو نفر مشاور و سرپرست رسیدگی بشکایات در نخست وزیر برای اینکسه وقتیشان را بگیریم زودتر بخوانم استدلال میکنند که این اشخاصیکه تقاضای دبیرستان کرده اند خیلی تقاضای بیموردی است تا اینجا من هم با ایشان موافقم برای اینکه ما معلم نداریم و دبیرستان بی معلم نتیجه ای ندارد ولی در يك مطلب با ایشان مخالفم که میگویند بجای اشتغال به تحصیل بهتر است بکشاورزی و کله داری بپردازند اگر شما برایش راهنما بگذارید که کله داری را بیاد بگیرند و مدارس حرفه ای برایش درست کنید که پدر کشاورز بوده پسرش برود کارگر شود حرفی ندارم ولی نه اینکه شما بگوئید برو تو چو بان شو چون در کشاورزی کار میکردی جناب آقای روحانی شماعضو دولت هستید بودجه ای که برای تأسیس کتابخانه ما داریم چیست شما که مهندس هستید متوجه هستید دنیا با علم میچرخد بودجه ای که برای زورخانه داریم دیدم خیلی خوب است باید همین کاری کنید ولی این جسم اگر بی مغز باشد فقط از جنبه حیوانی رشد داده اید

بوده و اینکه برای کتابخانه و فرانتخانه و چاپ کتاب و توزیع کتاب مجانی گذاشته اند چیست آنجا نیکه در ابتدای عراضم گفتیم که بودجه آینه تمام نمائی است برای این است که ما باید این چه میگیرید و وجه میکنید و در بخشهایی که تقسیم میکنید چه بهره برداری میکنید اینجاست که اختلاف سلیقه داریم برق شمارا کی باید تصدی بکنند آیا خیال دارید برای کارهای کوچک هم که تخصص کوچکی لازم دارند از خارج بیآورید چند سال است که شاهنشاه نسبت به مدارای حرفه‌ای آبتقدر اصرار میفرمایند توفیق دولت در این راه چه میزان بوده اما ما بیش از عمل حرف میزیم چمن و شما بخواهیم دریای فردا برای نسل فردا دست دیگر مهندس روحانی فردای واقعی وزیر آب و برق نیست و باید نسل آینده را باز آورد همانطور که خدارحمت کند رضاشاه کبیر شما هارا بیار آورد که این مملکت را بالاخره تا این حد ترقی دادید ما باید بیشتر ترقی بدهیم و با آن چهار میلیون دانشگاهی معالک دیگر بتوانید جلو بروید در تمام مملکت برای بودجه جوانان ما ۶۱ میلیون تومان خرج میکنیم با داناتان هست من و شما که هم میرفتیم مدرسه تا بر میگشتیم خانه کتاب را باز میگردیم اگر شاگرد درس خوانی بودیم و اگر نبودیم مجبور بودیم وزیر کرسی بنشینیم ولی نسل عوض شده شاگرد امروزی تقریباً لازم دارد شاگرد امروزی زندگی لازم دارد و جناب آقای نخست وزیر از این شاگرد امروزی دفاع کردند روی صفحه ماریلو جناب آقای نخست وزیر در تمام بودجه ۲۷۳ میلیارد ربالی... (چند نفر از نمایندگان - داستان صفحه ماریلو چیست؟) اجازه بفرمائید عرض کنم چون بعضی دوستان نبودند در مذاکره مربوط به بودجه سال قبل یکی از دوستان ما ایراد گرفت که چرا نسل جوان را درست هدایت نمیکنید جناب آقای نخست وزیر توضیح فرمودند باید نسل را شناخت و مطابق احتیاجات او سببش را فراهم کردیم قعیکه ایشان و آن آقای وکیل در بیروت بودند با هم تحصیل میکردند از صفحه ماریلو خوششان میآمده و یادآوری کردند که شما صفحه ماریلو را پنجاه دفعه میگذاشتید و بگذارید این نسل جدید هم تویست بر قصد ما نمیگوئیم تویست

نرفتنند تویست بازی کنند حالشما با ۶۱ میلیون - سطح این مملکت که اگر واحد هر شهرستان را صد هزار نفر بگیرد این را تقسیم بکنید طبعاً میشود ۲۷۰ واحد ۶۰ میلیون نفر ۲۷۰ واحد تقسیم کنید به بیست و هفت هزار نفر قدر میرسد این است که باز بر میگردیم باینکه بخش هادوست تقسیم نشده اما هم از تنیس واجبتر و هم از تویست و هم از ماریلو مهمتر و حتی از آن کتابخانه و فرانتخانه و چاپ کتاب مهمتر آن چیزی است که آقای دکتر هدایتی سالهای متمادی و متوالی تذکره دادیم توجه به مبانی اخلاقی و تهیه آدم نه کتاب محفوظ وجود آوردن برای ابدان و اخلاق چه کردید آقای دکتر من خوب خاطر هست اینجا مطالب حاشیه نیست اینجا نکاتی است وقتی که در مدرسه کلاسهای اول متوسطه ما زبان فرانسه تدریس میکردند یک گرامری داشتیم با اسم گرامر کلودوزه خیلی میل داشتیم همراه بود و میخواندم (فولادوند - ما که نمیفهمیدیم) (خنده نمایندگان) چرا جملات را میفهمیدید ولی میترسم که آقای وزیر آموزش و پرورش روح آن جملات توجه نکرده باشند تمام تمرینهای این کتاب تمام جملات آن برای ساختن آدم باید مبانی اخلاقی منجمک بود در هر جمله‌ای که برای تمرین زبان مثل آورده شده بود یک سرمشق بزرگ اخلاقی بود محرک شاگرد براه انسانی عالی بود منظورم فقط اشاره به این جملات خشک نیست واقعبت بود خود آوردن اعتماد به مبانی اخلاقی و ایمان آن چیزی که هر ملتی با آن میتواند پای بند باشد و سربا باشد متأسفانه به رقم بیش از این مسائل توجه میکنید میدانید فرق آدم چیست این است که شما اگر یک نخست وزیری داشته باشید که مبانی اخلاقی او مورد تجلیل شما باشد تمام دستگاههای آموزش و پرورش شما بهتر میچرخد وقتی او نتوانست شما آن شخصیت از خود گذشتگی فداکاری لازم را نشان بدهید تمام دستگاه شما خراب میچرخد و این مطلب تنها به نخست وزیر مربوط نیست تا برای آن خیابان پاک کن هم لازم است شما به آن مطلب اخلاقی و انسان سازی توجه داشته باشید شاعر حرف من را گوش میدهید ولی میدانم بر میگردید و باز متوجه اید که این

نم ۱۲۰۰ تا به ۱۴۰۰ ترقی کرده آن برای ما مهم نیست
بهداشت:
 جناب آقای دکتر شامقلی شما سنقر کلیائی شریف بدهاید میدانید تشکیلات شمادر آنجا چیست دو تاد کتر بزند مثل همان مطلبی که برایتان خواندم نه وسیله کار بزنند در مانگاه دارند نه بیمارستان تقصیر ایشان نیست ضمناً بودجه تکافو نکرده نمیشود در تمام نقاط مختلف بر بخانه بزرگ جانها پکینز بسازند

عباس میرزائی - جانها پکینز دیگر چیست؟
رامبد - آقا شما یک قدری جغرافی بخوانید ما را خلاص کنید (خنده نمایندگان) جانها پکینز یک بیمارستان است شمام دانشگاهیکه به آن وابسته است نزدیکهای تیمور که بسیار بیمارستان خوبی است ولی این طرحی که جناب عالی آوردید که اطباء وقتی جمع شدند سرمایه بدهیم بیمارستان درست کنند شاید اساس علم شمادرین مطلب بیش از من است شاید درست باشد اما فکر کرده بد که این سنقر کلیائی هم یک روزی بالاخره اگر نوانست از سهم بودجه وزارت بهداری شما صاحب بیمارستان شود از سهم سرمایه ای که تقریباً بلاعرض اطباء این مملکت میدهند باید بروند آنجا بیمارستان سازند و صاحب بیمارستان بشوند چون بیروز مذاکره کردیم و قرار بود که مدت کوتاهی تری شده صحبت کنیم حالا متأسفانه طولانی شد و یکی از پرستان به بنده یادداشت دادند که وفای به عهدیم یکی از مبانی اخلاقی است بنده از دولت سرمشق نمیگیرم ، چون دولت خیلی قولها اینجاست داد که به عهد وفا نکرد بی اگر اجازه بفرمائید بقیه اش را حذف میکنم و به اصل مطلب میپردازم و اگر موافقت بفرمائید ادامه میدهم این تو کول بنظر دوستان است (نمایندگان - ادامه بدهید)
 ادکتر بزدان پناه - هر دو را تلفیق بفرمائید (چشم پس با همین اشاره مختصر راجع وزارت بهداری من از نما استماع میکنم که توجه بیشتری به شهرستانها بکنید البته اطلاع داریم که نمیشود تجهیزات مفصل و کامل یک بیمارستان را در یک شهرستان ایجاد کرد چون مراجععه کننده ندارد ولی در همان حدی که میشود یک ضابطه ای بگذارید که مثلاً اگر نفرش یک شدند در شهرستانهای درجه ۳ و اگر بزرگ نفرش یک شدند در مرکز استانها یک تری باشد

که هر بیماری و هر مرضی مجبور به آمدن به تهران نباشند
اسدی - آقای رامبد - این کار عملی است در منطقه ما فقط یک طبیب وجود دارد ما یک طبیب میخواهیم ، یک مریضخانه نیست تختخوابی میخواهیم که همهای پزشکی برای تهران خوب است ولی برای شهرستانهایی مثل مغان سم است

فولادوند - تقصیر طبیبهاست که همه وکیل مجلس میشوند
رامبد - بهر حال ، بر میگردیم سر مطلب ، بنده از وزارت کشور فقط یک جمله میگویم آنهم راجع به تقسیمات داخلی کشور است بنده یک نمونه میگویم ما بر اساس تقسیمات کشوری در شهرستان طالش چند محل داریم یکی اتمش ماسال شاندا زمین است اهالی این قسمت باید از تشکیلات شهرستانی صومعه سرا تبعیت کنند ، یک قسمت کرگان رود است که از مرکز طالش تبعیت میکند ، یک قسمت شمال کرگان رود است که از آستارا تبعیت میکند ، یک قسمت طالش دولاب است که از بندر پهلوی تبعیت میکند آیا اهالی یک شهرستان با وجود مراجعات مکرر که شاهد و ناظرش همین آقای دکتر آموزگار هستند که وقتی با دولتی که در آن شرکت داشتند آمدند به مجلس تنها و تنها تقاضای مردم این بود که ما اهالی یک شهرستان هستیم و باید آداب و رسوم زندگی میکنیم ، یک فرماندار داریم و طبعاً باید مراجعات ما یک دادگاه باشد یا یک رئیس بانک کشاورزی باشد مراجعات ما با بدبیک جنگلبانی باشد ، ولی امروز تا آن روز ده سال میگردد بله ، ۱۳۳۶ بود ده سال گذشت آن موقع دولت ایرادش این بود که جاده خوب آنجا نیست و ممنونم از وزارت آبادانی و مسکن که این ۱۸ کیلومتر جاده هم ساخته شد ، دلایل چیست ، بی توجهی و بی تفاوتی نسبت بزندگی مردم ، این دلیل را نمیخواهد بروید آنجا پیدا کنید ، این گرمی تبریدن انسان حاکی از یک تحولات بسیاری در داخل بدن است ، این چاله‌های وسط خیابان که می‌کنند و بر نمی‌کنند ظاهرش بسیار ساده است ، ولی در عمق این میز آنهایی که بی توجهی به خواسته های مردم نشان داده میشود ، بخواسته های مردم اهمیت داده نمیشود ، جناب آقای نخست وزیر این مسئله را چند روز

قبل برای بنده آورده اند (مجله را ارائه دادند)
 از اقدامات عمرانی مشترکی که بین ایران و سایر کشورها
 انجام میگیرد بسیار متشکر و سپاسگزاریم، از همکاریهای
 علمی و عمرانی و فنی با همسایگان باید هر دو طرف سپاسگزار
 باشند و از زهربران ما که موجب این حسن تفاهم شده اند
 تجلیل میکنیم ولی استدعا میکنم بجزای آنی که سفارت شما
 در مسکو با واشنگتن یا لندن و با هر جای دیگر نشریه
 بخش میکنند شما هم همانطور که در موارد دیگر گفتیم
 از دوستان نشریه بپذیرید (صحیح است) اینها جزو وزارت
 اطلاعاتی است که سعی دارد صحبت آقای یز بشکیور منتشر
 نشود و در این مورد همین مطلب صحبت را بنده خاتمه میدهم.
 و فقط چند کلمه ای در کلیات آخر بیا باید اضافه
 کنم توجه فرمائید که اصل کار انقلاب اداری
 بر این نمیچرخد که وزیر از اداره و کارمند
 ناراضی است، بلکه بر این میچرخد که کار مردم در
 دستگاههای اداری سهولت و سرعت لازم ندارد اگر شما
 به این اصل توجه دارید باید چندمطلب از نظر دور نذارید
 و آن این است که باید در مردم آشنا شوید و جای آشنا
 شدن بدر مردم مجلس است جای باز گو کردن کارهای
 انجام شده دولت مجلس است، وقتی که زاد و و تبلیغات
 شما اصرار دارند که تا حد امکان موجودیت مجلس شورای
 ملی را بدست فراموشی بشپارند، به انقلاب اداری شما
 سر صورتی داده نخواهد شد قرار نیست هر وقت نماینده ای
 از دولت تجلیل کرد در جراید و ادو متعکس شود بگذارید
 مردم بدانند که فلان نماینده اشتباه میکند ولی باید بدانند
 که ده نفر نماینده گفتند اینطور و یک نماینده گفت آنطور
 در آن موقع است که حرفهای شما ارزش پیدا میکنند و این
 مطلب تنها بصحبت مجلس و مجاسیان نیست بی اعتنائی و
 بی اعتباری کار بدانجا رفته است که اساس و اصول سنت های
 ما هم فراموش شده تا بدانجا که سابقه داریم نخست وزیر
 از خدمتگزاران شاهنشاه در مرتبه اول و رئیس مجلس
 شورا و سنا بنمایند کی ملت در مرتبه دوم هستند اینگونه
 باعانات را نمیبیند که اسم رئیس مجلس را بدنبال هر کس
 بنویسند (آفرین) (دکتر اسفندیاری - اشتباه کرده اند)
 این رئیس مجلس شورا با رأی من تنها رئیس مجلس نشد
 چون موقع انتخاب ایشان که من نبودم اگر بودم قطعاً

رأی میدادم چون این رئیس مجلس است که باید خواسته های
 مردم و نمایندگان را آنطور بکشد باید و شاید بعضی شاهنشاه
 برساند تا به این بی تربیتی ها خاتمه داده بشود ولی این
 رأی شما سروران حزب اکثریت بود که ایشان را بر باست
 انتخاب فرمودید حالا که ایشان را قبول کردید احترامش
 را هم نگاه دارید (مصطفوی - احترامشان محفوظ است)
 (نمایندگان - ایشان احترامشان محفوظ است)
 اینجا صحبت رامبد، یز بشکیور و جناب هویدا اینست
 صحبت ملت است و نماینده ملت بطور توجه به این دارید
 که وقتی سال قبل در جشن درختکاری تمثال مبارک اعلیحضرت
 همایونی را در جراید زیارت کردیم که درخت را میکارند
 امسال دبیر کل حزب بر امیآوردید درخت را بکاره چرابکی
 از و الا حضرتها شاپور هارادعوت نمیکند (عباس میرزائی -
 تمثال شاهنشاه هم بود) نه قبول نمیکند (عباس میرزائی -
 شما قبول نکنید آزادید) جناب آقای وزیر کار جناب عالی که
 در آینده نزدیکی دولت هزار کارگر در اصفهان خواهید
 داشت که دوستان و همکاران و مریشان هم دارای رژیم
 غیر از رژیم من و شما هستند برای آشنا شدن بر رژیم مملکت
 و اصول مملکت بگوئید چه کردید (وزیر کار - گفته ام و
 کرده ام) هر اقدامی کردید بیشتر بکنید (احسن) بنده
 چند یادداشت اینجا راجع به شهرستانهای مختلف داشتم که
 میناب و جهرم و بلوچستان جزو آن بود اینجا منظور
 صحبت از میناب و جهرم و بلوچستان نبود منظور نشان
 دادن عدم توجه لازم به امر کشاورزی در شهرستانها است
 اگر بخواهید یادداشت ها را تقدیم میکنم حضور
 جناب نخست وزیر میبینید که ما برای این عدم توجه و
 عدم آشنائی و عدم اعتناء به خواسته های مردم از چه پیشرفتهائی
 غافل هستیم و چه سرمایه هائی را از دست میدهم علش
 چیست فقط علش این است که گوینده مردم هستند اما چند
 کلمه دیگر و مطالب اساسی که باید بخاطر داشته باشید این
 است اگر به علت وجود قوانین بعد از ۱۳۰۰ در ایران
 نگاه بکنیم چنین بوده چون قبل از دوران رضا شاه کبیر
 اصول فنو الیسم و خود مختاری و خود سری در تمام
 شهرستانهای ایران برقرار بوده و ایجاد میکرده است
 که تا مدنی دولت مرکزی برای امکان انجام برنامه های

مملکت دارای همه گونه اختیارات باشد و هر گاه
 مولد الدوله و با شیخ خزعلی نخواست مالیات بدهد و
 قانون صید و جنگل که آنوقت نداشتیم اعمال آن تبعیت
 کند ما مورچه کوچک دولت نتواند با اختیار نام او را به اجرای
 این قوانین مجبور کند ولی شکر خداوند اکنون در این
 ۲۷ میلیون جمعیت ایران آیا کسی در دستگاه دولت یا
 غیر دستگاه دولت در این ملت ایران میشناسید که بخواهد
 توانی که بتوشیح شاهنشاه رسیده انجام ندهد (نمایندگان
 خیر) پس بنا بر این روح قوانین ما باید تغییر کند و این
 مطلب که تمام اشکالات کار مملکت را از طریق یک جانبه
 بستن دست مردم و اختیار بی چون و چرای متصدی باشد
 بد عرض کنم از این راه انقلاب اداری تحقق پیدا نمیکند
 در مقابل هر اختیاری مسئولیت و در مقابل هر شکایت مردم راه
 رسیدگی صحیح جناب هویدا در مملکتی که شما تحصیل
 بیکرید، بلژیک، آنجا هم مشروطه سلطنتی نبود؟ بود
 یا سابقه دارید که در هیچکدام از قوانین این مملکت ها
 تفاوت با دستگاه اجرائی موکول کنند؟ تمام قوانین آب و
 برق جناب عالی کجا هستند آقای مهندس روحانی شاید از جهت
 این بود که خواستند بز نامه ها را زود انجام بدهند ولی چه
 ضابطه ای دارید که اهالی بلوچستان و اهالی یک دهکده همه
 خائند همه دروغگو و نادانست و زدند فقط مأمور کوچک
 نما اینجا درست و بی نظر و منصف است که حرفش قاطع
 نما باشد مگر همه مردم این وطن این قانون این شاهنشاه
 تریز را همانقدر که مأمورین شما میخواهند نمیخواهند؟
 سایر انقلاب اداری جناب عالی در این لوایح ماست نه در زود
 آمدن یا دیر آمدن مأمورین آنجا که قوانین درست بود
 مأمور زود خواهد آمد خود بخود آنجائی که مراجعه کننده
 مؤذنت برود پیش رئیس اداره و بگوید من مالیات میدهم
 یکی را که به هر خصی فرستادی کسی را جانشین او
 بگذارند آنجا خودش زود میآید چون جناب آقای خسروانی
 تشریف آوردند به مناسبت نسبت نزدیک ایشان و نطق های
 دست عزیزم تیمسار خسروانی چند نکته را لازم میدانیم
 با آوری کنیم ما در این مملکت هر روز اصلاحاتی میکنیم
 شاهنشاه پیشرفت هایی برای مملکت فراهم می آورد ولی
 صل احترام به افراد به حقوق اشخاص ناموقی که طبق

قوانین محکومیتی پیدا کرده اند در مملکت شاهنشاهی ما
 خواسته شاهنشاه است (صحیح است) لایحه آب میآورند
 برای اینکه لایحه بگذرد می آیند پشت تریبون که هر
 کس قنات کنگه است نخطه اش میکنم دوست عزیز من رفته
 است یک دستگاهی را تمیز و درست بکنند انشاءاله موفق
 بشود ولی نباید هر کس در اینجا بوده است متهم بشود که
 دزد و ننگین و نادارست بوده است این صحیح نیست دوستان
 من آیا شما از دهان این آقای هویدا شنیدید که کسی را در
 گذشته، وزراء یا کسانی که قبل از خودش بودند متهم
 بکنند پس شما هم همین روبره را تعقیب کنید شما کار خوب
 را بکنید کار بد معلوم میشود این رشد ملت ایران را میسراند
 که باید به مفهوم کلمات به گفته هائی خودشان در یک
 مرجعیتی که هستند احترام بگذارند آزاد نیستند هر چه
 خواستند بگویند این جزو قسمت هائی بود که میخواستم
 عرض کنم جناب آقای هویدا ولی چون کمی وقت داریم این
 غرایض را میکنم در موقعی که جناب آقای هویدا لایحه
 بود چه را تقدیم کردند فرمایشاتی فرمودند (که هر يك از ما
 گاهگاه نظری کلی بر گذشته ها باید ببنفکنیم) همین مناسبت
 یک عکس از روزنامه برایشان آورده ام (بعضی نمایندگان -
 نمی بینیم) مطالبش را برایشان میخوانم عکس یادگاری محترمین
 شهر علمده است که هر سال خاطره زمین زدن اولین کلنگ
 ساختمان پست و تلگراف را بنده میدیم بکنند چهار سال پیش اولین
 کلنگ ساختمان پست و تلگراف این شهر بز زمین زده شد و عده ای
 از اهالی محترمین شهر برای شرکت در این مراسم دعوت
 شدند ولی طی چهار سالی که گذشت هنوز يك آجر از هزارمین
 آجر ساختمان کار گذاشته نشده ولی عده ای از همان
 مدعورین در محل بنا جمع میشوند (خنده نمایندگان)
 و خاطره آن روز خوش را که با جای و شیرینی پذیرائی
 شده بود تجدید می کنند این عکس یادگاری مربوط
 بز زمین زدن اولین کلنگ است ...
مسعودی - این فرق اجتماع ماست که آزادی
 مطبوعات به آن پایه ای رسیده است که این مطالب را مینویسد.
رامبد - تشکر میکنم و اما در مطالب اساسی بعد
 از این خاطر ها نکته ای دیگر راجع بلوایح ما، این مطبوعات
 ایران در ارشاد ملت و دولت و وظیفه سنگینی دارند (صحیح
 است) من مطلبی که میگویم استفاده از این مطبوعات است

و آن راجع به اقلیتی است که اکثریت میشود و تریسید راجع
بجزب من و شما نیست و آن عبارت از این است که استدلال
میکنم در همه لوایحی که به مجلس میآوردید قاعدتاً نباید
استدلالتان این باشد که منافع مترتب در انجام این لایحه
چه خواهد بود و نقصانی که در زندگی گسرومی در اثر
اجرای این لایحه فراهم خواهد شد به چه طریق جبران میشود
یا از چه طریق در واقع دولت نسبت به آن طبقه هم توجه خواهد
کرد نه فقط در بنال اصل Gemeinutz Vor Eingentz
که به معنی نفع عمومی مقدم نفع خصوصی است زیرا آقای
پزشکیور لابد بیشتر آشنا هستند این اصلی بود که
هر وقت دستگاه هیئتی استدلال دیگری نداشت (خنده
نمابند گمان) بجناب پزشکیور مربوط نیست (خنده
نمابند گمان) نه خیر ایشان ایرانی و خواستار منافع
ایران هستند و فقط بسبب نظم و انضباط و جدیتشان در کار
با آن دستگاه که از لحاظ نظم در دنیا بی نظیر بود شباهت
دارد منظورم این است که ایشان این اصول را هم مثل
سایر اصول در کتابهای دیگر خوانده اند بهر حال صرفاً
اتکاء به این اصل صحیح نیست که در هر لایحه ای بیائیم
و با این استدلال تصویب لایحه را فقط بگذاریم که اگر
عده ای از این لایحه متضرر میشوند مانعی ندارد اکثریت
ملت بهره مند میشود ولی این عده دسته قلیل همیشه ثابت
نیست يك دسته در این لایحه متضرر میشود و اگر به
نحوی معتقد به لایحه نباشد و فقط به این استدلال که چون
نفع اکثریت تأمین شده این عده ناراضی میشوند دسته
دیگری با لایحه دوم ناراضی میشود و دسته سوم با لایحه
سومی دالی آخر شما مینماید که با تمام لوایحتان بالاخره
تمام دستجات طبقات مختلف مملکت را ناراضی کردید پس
متأثر این تنها عنوان و استدلال اینکه چون اکثریتی
استفاده میکنند ضرر اقلیت مانع ندارد در شأن لوایح
مشروطه ایران نیست ما حتی برای اقلیتهای مذهبی هم
احترام قائلیم و نماینده دارند و باید حرفشان را بزنند پس
شما که نماینده اقلیت و اکثریت و تمام مملکت در دولت
هستید باید وقتی که برای از بین رفتن محل ارتزاق
طبقه ای اقدام میکنید راه حل نجات زندگی آتی او را هم

در نظر بگیرد خاصه اینکه بعضی اوقات بهمین وعده نفع
اکثر مردم هم عمل نمیکند مثلاً يك موقعی بود که در
کشتار گاه تهران از هر گاری که میکشند ۲۵ ریال و
از هر کوسفندی که میکشند ۱۵ ریال عوارض میگردند
بعدهم میگفتند که این عوارض مانعی ندارد چون دوفتر
هستند ده نفر هستند از آنها میگیریم حالا منافع شهر
تهران مطرح است تمام جمعیت ایران مورد نظر است
میخواهیم سردخانه بسازیم شما که میخواهستید سردخانه
بسازید جناب وزیر کشور سردخانه ساختید؟ ساختید
خوب وقتی لایحه نوسازی شما میآید مطلب سردخانه را
بخاطر میآورد میگوید من نصف زندگی که سهل است
تمام زندگی را میدهم ولی تأمین آینده بچه های من با
کیست؟ و در لایحه شما چیست؟ بنده مطالب بسیار دارم که
همه را میگذارم و میگذارم باید جلب اعتماد کرد باید جلب
اعتقاد کرد صاحب زمین در خیابان شاهرضا حاضر خواهد
شد نصف زمینش را باس بدهد وقتی بداند که این مأموریکه
این را اجرا میکند آن وزیر که این لایحه را تقدیم
کرده است آن و کیلی که این لایحه را تصویب کرده است
هر کدام سهم خود در پیشرفت مملکت از خود گذاشتگی
دارند جناب آقای خسروانی این لایحه را خوانده اید؟
لایحه مربوط به کارشماست برایتان میخوانم (برای شرکت
عده ای در شورای عالی حفاظت فنی در شورای عالی کار در
شورای عالی سهم کردن کارگران در شورای عالی سازمان
امور اجتماعی در شورای عالی) حق حضور و یاداش برای
شرکت کنندگان خواسته اید در واقع برای نقص آن
لایحه ایست که دو حقوق نگیرید که برای اینکه طی بعضی
لوایح شما مالک ملکش را با علقه تقسیم کند برای اینکه ناخر
مالیاتش را با عقیده بدهد برای اینکه صاحب باغ
نصف باغش را با استقبال بدولت تفویض کند
لازم است که به دستگاه دولت اعتقاد باشد و
مأمورین دولت وقتی در سطح وحد خودشان با حقوق
عمین دولت زندگیشان تأمین میشود و دیگر بصورت صد
دینار حق حضور از اینجا يك عباسی حق مر کب به فلان محلی از
انجا ۲ قران بعنوان ثالث از اینجا بصورت پول در آوردن از

برانه دولت دائم فکر دریافت وجه از این بودجه نباشد
دلا شما باز لایحه آوردید که این روبه رامتور میگند
جناب آقای خسروانی مأموریکه برای شما فقط ۵۰ تومان
مذتومان حقش رکت حضور در جلسه میآید انجام وظیفه
کنید اگر آن شاکبی ۲۰۰ تومان به او بدهد رأی را نفع
میدهد شما بروید کسانی را انتخاب کنید که برای
غلاب ایران عقیده داشته باشد روزی که شاهنشاه ایران
کرنده بکارمندان دولتی عنایت فرمودند کارمندان دولتی
برای اثبات صداقت و خدمت و از خود گذاشتگی خودشان
ملت ایران چه کردند من جای شما بودم آقای نخست وزیر
رای اینکه این همبستگی دولت و ملت معلوم شود حقوق
کماه این رتبه کارمندان دولت را در راه نوانخانه هاد راه
سند انیکه زندگی ندارند میدادم من خودم شخصاً قسمتی
حقوق سال آینده ام را برای کمک به نوانخانه طالش میدهم
لی تا موقعیکه وزیر فقط بفکر انومیل حقوق و مزایا
شد ملت با این قوانین ما اعتقاد و علاقه تبعیت وافی نخواهد
کرد بنده همه را کنار میگذارم و کوتاه میکنم فقط با

۳ - تصویب صورت جلسه صبح پنجشنبه هفدهم اسفند

نایب رئیس - صورت جلسه مذاکرات صبح روز
پنجشنبه خدمت خانها و آقایان توزیع شده نسبت به آن
صورت جلسه نظری نیست (اظهاری نشد) صورت جلسه
صبح پنجشنبه هفدهم اسفند تصویب میشود.

۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - با اجازه خانها و آقایان جلسه را ختم
میکنیم جلسه فوق العاده در ساعت ۴ بعد از ظهر تشکیل
خواهد شد دستور جلسه ادامه مذاکرات در باره لایحه
بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور خواهد بود.

(یک ساعت و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مهندس حیدرعلی ارفع